

طریق های
حیاتی
فیض

پل و اشرف



طریق‌های حیاتی

فیض

طریق‌های حیاتی

فیض

پل و اشرف

The Essential Means of Grace
Copyright © 2020 by Paul Washer

All rights reserved. No part of this book may be used or reproduced in any manner whatsoever without written permission except in the case of brief quotations embodied in critical articles and reviews. Direct your requests to the publisher at the following address.

Originally published in English by:

Reformation Heritage Books
2965 Leonard St. NE
Grand Rapids, Michigan 49525, USA

طریق‌های حیاتی فیض

© پل واشر

همه حقوق برای نویسنده محفوظ است.

سال انتشار: اکتبر ۲۰۲۲

ترجمه، ویرایش، نمونه خوانی، صفحه‌آرایی: خدمت انجیل بنیاد راستی

Email: EnjilBonyadeRasti@gmail.com

Telegram: <https://t.me/EnjilBonyadeRasti>

Instagram: [instagram.com/EnjilBonyadeRasti](https://www.instagram.com/EnjilBonyadeRasti)

فهرست

۱. طریق‌های فیض ۱
۲. کتاب مقدس ۷
۳. دعا ۲۱
۴. توبه و اعتراف ۳۳
۵. کلیسا ۴۹
۶. در دفاع از سادگی ۶۱

طریق‌های فیض

آیا به خاطر عدم رشد روحانی‌تان سوگواری می‌کنید؟ آیا آرزویتان این است که بیش از پیش شبیه مسیح بگردید؟ اگر پاسختان مثبت است، این کتاب کوتاه و مختصر مخصوص شما است. با این حال، باید این پیش‌آگاهی را به شما بدهیم که قرار نیست در صفحه‌های این کتاب، در یک چشم به هم زدن، زندگی روحانی شما سامان بگیرد و با یک راه حل کوتاه همه چیز درست شود. در این کتاب، یک قانون جدید و نوظهور را برای رشد روحانی کشف نمی‌کنید. اینجا چاره‌ای کهن و دیرینه را برای مشکلی کهن و دیرینه پیدا می‌کنید. این کتاب دارویی را که چندان گوارا نیست برای شما تجویز می‌کند. بیشتر مردم ترجیح می‌دهند به جای این دارو راه میان‌بری انتخاب کنند تا کامشان همیشه شیرین بماند. ولی، اگر از بیماری و ناخوشی خسته شده‌اید، اگر از پرسه زدن در دامنه کوه خسته شده‌اید و دلتان می‌خواهد مسیر سخت و دشوار کوهنوردی را پیش بگیرید، این کتاب کوچک یاور و کمک حال شما خواهد بود. این کتاب طریق‌هایی را به شما نشان می‌دهد که از جایگاه کنونی کمی جلوتر بروید!

یک عبارت الهیاتی بسیار مهم در زبان لاتین وجود دارد که هرایماندار به هرزبانی که صحبت می‌کند باید آن را یاد بگیرد و در زندگی‌اش به کار ببرد. این عبارت در زبان لاتین *media gratiae* «مِدیَا گِراتِیا» نام دارد که «طریق‌های فیض» ترجمه می‌شود. قرن‌ها، کلیسا این عبارت را در توصیف طریق‌ها یا هدیه‌هایی به کار برده که خداوند عیسی مسیح جهت تقدیس شدن کلیسا و رشد پیوسته در قدوسیت آنها را به کلیسا بخشیده است. مهم‌ترین و ضروری‌ترین این طریق‌ها بدین شرح می‌باشد: «مطالعه»

کتاب مقدس، سرسپردگی به دعا، عضویت و خدمت در کلیسای محلی. این طریق‌ها اعمالی نیستند که به وسیله انجام آنها نجات پیدا کنیم و رستگار شویم. این طریق‌ها راه رستگاری نیستند، بلکه هدیه و نعمت خدا هستند تا ایمانداران به مسیح از طریق آنها در نجاتی که فقط با فیض و فقط به وسیله ایمان و فقط در عیسی مسیح از آن برخوردار شده‌اند رشد کنند و به بلوغ روحانی برسند. پولس رسول می‌نویسد: «زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، به وسیله ایمان، و این از شما نیست، بلکه بخشش خدا است، و نه از اعمال، تا هیچ‌کس فخر نکند» (افسیان ۲: ۸-۹).

کتاب مقدس بارها و بارها ثابت نموده که نجات اقدام یک‌طرفه از جانب خدا است. خدا باعث و بانی نجات ما است و ما قصد و منظور کار نجات بخش خدا هستیم. با این حال، کتاب مقدس این را هم تعلیم می‌دهد که رشد و بلوغ ما در فرآیند تقدیس شدن اقدامی دوطرفه یا جمعی است. این حقیقت به زیبایی در اندرز پولس به کلیسای فیلیپی بیان می‌شود: «پس، ای عزیزان من، چنان که همیشه مطیع می‌بودید، نه در حضور من فقط بلکه بسیار زیادتر، الان، وقتی که غایبیم، نجات خود را به ترس و لرز به عمل آورید، زیرا خدا است که در شما بر حسب رضامندی خود هم اراده و هم فعل را به عمل ایجاد می‌کند» (فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۳).

به این تعادل و توازن دقیق و کامل توجه کنید. نظر به اینکه این خدا است که در ما بر حسب رضامندی خود هم اراده و هم فعل را به عمل ایجاد می‌کند، ما نیز باید نجات خودمان را به ترس و لرز به عمل آوریم، یعنی باید همراه با ترس آمیخته به احترام نسبت به خدا، قاطع و جدی و محکم، وظیفه و تکلیفی را که بردوش داریم به جا آوریم. در مسیحیتی که بر کتاب مقدس استوار است، جایی برای بی‌توجهی و سهل‌انگاری و بی‌نظمی وجود ندارد. در مسیحیت راستین، جایی برای این روحیه وجود ندارد که دست روی دست بگذاریم و کاری نکنیم و همه مسوولیت را گردن خدا بیندازیم.

برای آنکه معنی عبارت «مِدیَا گِراتیا» را کاملاً درک نماییم، صفتی را به آن اضافه می‌کنیم که در زبان لاتین *ordinarius* «اوردیناروس» می‌باشد که به معنای «معمولی» است. «مِدیَا گِراتیا» به طریق‌های معمولی فیض یا به راه‌های معمولی اشاره دارد که خدا مقرر نموده تا ایمانداران به این وسیله، روزافزون، به شباهت مسیح تبدیل شوند. ما در دوره و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که گویا همه در کلیسا منتظر اتفاقی فراطبیعی

و غیرمعمول هستند، مثلاً روح القدس بخرامد و هر گونه ناخوشی و ناخوش احوالی روحانی ما را در یک چشم به هم زدن برطرف کند، بی آنکه ما به خودمان زحمت بدهیم و کوچک ترین قدمی برداریم. بله، یک چنین بیداری روحانی اتفاقی محال و دور از انتظار نیست و ما آرزویش را داریم، ولی راه و روش عادی و معمول خدا برای رشد ایمانداران در کلیسایش این گونه نیست. آرزو و اشتیاق ما برای رویدادهای خاص و فراطبیعی نباید موجب شود آن طریق های معمولی را که خدا برای رشد روحانی به ما بخشیده است نادیده بگیریم و به آنها بی اعتنا باشیم. در واقع، روش کار خدا معمولاً این نیست که کارهای خاص و بسیار فراطبیعی انجام دهد، مگر اینکه کار به جایی رسیده باشد که قومش مسیر همه طریق های معمولی را که خدا تدارک دیده است طی کرده و همه راه های پیش رو را به انتها رسانده باشند، آن گاه، خدا در صلاح دید خودش فراطبیعی عمل می کند.

اما بعید است کلیسای این روزگار و ایمانداران این دوره و زمانه همه طریق های فیض را تمام و کمال طی کرده باشند، بعید است کل کتاب مقدس را موبه مویاد گرفته باشیم، بعید است تک تک وعده های خدا را در دعا به یاد آورده باشیم و دیگر دعایی باقی نمانده باشد، بعید است رابطه صمیمی ما با پدر و پسر و روح القدس محلی برای صمیمی تر شدن نداشته باشد، بعید است همه برکت های مشارکت با کلیسای محلی را درو کرده باشیم. مگر نه اینکه ما نسبت به طریق های معمولی اما حیاتی فیض غفلت و کوتاهی کرده و بی توجه و حتی تن پرور بوده ایم؟ باید حواسمان باشد مبادا روز امور کوچک را خوار بشمریم (زکریا ۴: ۱۰). در واقع، عیسی مسیح می فرماید: «با حذر باشید که چه می شنوید، زیرا، به هر میزانی که وزن کنید، به شما پیموده شود، بلکه از برای شما که می شنوید افزون خواهد گشت» (مرقس ۴: ۲۴). «آن که در اندک امین باشد در امر بزرگ نیز امین بود» (لوقا ۱۶: ۱۰). ایمانداری که به طریق های معمولی بی اعتنا است چه بسا اصلاً رنگ طریق های فراطبیعی را نبیند!

عبارت «مدیا گراتیا» امروزه در میان مسیحیان شاخه انجیلی چندان شناخته شده نیست. دلیلش فقط این است که ما از بسیاری حقایق تاریخی مسیحیت بی خبریم، در حالی که این حقایق تاریخی، که در کتاب مقدس ریشه دارند، سالیان سال کلیسای مسیح را تقویت کرده و به پاکی و خلوص کلیسای مسیح کمک نموده اند. قدیم ها، عبارت «مدیا گراتیا» یا «طریق های فیض» جزو دایره واژگان تک تک مسیحیان بود.

پرسش شماره ۸۸ از «مجموعه مختصر پرسش و پاسخ وست مینستر» که برای تعلیم حقایق اساسی مسیحیت به کودکان و نوایمانان تهیه و تنظیم شده است گواه این ادعا است:

پرسش: مسیح به چه طریق‌هایی برکت‌های نجات را به ما منتقل می‌کند؟

پاسخ: آن طریق‌های معمولی که مسیح به وسیله آنها برکت‌های نجات را به ما منتقل می‌کند حکم و فرمایش خودش است، یعنی همان طریق‌هایی که خودش آنها را مقرر نموده است، به ویژه، کلام خدا، آیین‌های کلیسا، دعا. «پس رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند و اینک من هرروزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم. آمین» (متی ۲۸: ۱۹-۲۰). همه اینها مفید و مؤثر است برای آنانی که جهت نجات برگزیده شده‌اند. «پس ایشان کلام او را پذیرفته، تعمید گرفتند و در همان روز تخمیناً سه هزار نفر بدیشان پیوستند و در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می‌نمودند... و هرروزه در معبد به یکدل پیوسته می‌بودند و در خانه‌ها نان را پاره می‌کردند و خوراک را به خوشی و ساده‌دلی می‌خوردند و خدا را حمد می‌گفتند و نزد تمامی خلق عزیز می‌گردیدند و خداوند هرروزه ناجیان را بر کلیسا می‌افزود» (اعمال رسولان ۲: ۴۱-۴۲، ۴۶-۴۷).

مهم است به این نکته توجه کنیم که تأکید نمودن بر «طریق‌های فیض» یا حتی اولویت دادن به آنها فقط مخصوص کلیساهای مشایخی یا کلیساهای متعصب به اصلاحات کلیسا نبود. کلیساهای قدیمی شاخه تعمیدی و سایر کلیساهای شاخه انجیلی نیز بر تعلیم «طریق‌های فیض» تأکید فراوان داشتند. «مجموعه پرسش و پاسخ کلیسای تعمیدی»، نوشته بنجامین کیچ (۱۶۴۰-۱۷۰۴)، از ایمانداران نامدار شاخه تعمیدی و پیرو جنبش اصلاحات، در پرسش شماره ۹۵ طریق‌های فیض را دقیقاً بر مبنای توضیح واژه به واژه «مجموعه مختصر پرسش و پاسخ وست مینستر» تعریف کرده است.

ما در دوره و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که حتی بسیاری از ایمانداران راستین به وبلاگ و توییتر و واعظانی که منبرشان اینترنت و فضای مجازی است دلخوش کرده‌اند. ایمانداران در این روزها دل بسته‌اند به اینکه در شبکه‌های مجازی یک دقیقه

به این واعظ گوش دهند و به صفحه مجازی دیگری بروند و به دو دقیقه از سخنرانی یک نفر دیگر گوش بدهند. درست است که بسیاری از این منابع اینترنتی مفید و بناکننده‌اند، ولی هیچ چیز نمی‌تواند جای طریق‌های ساده اما مؤثر و ثمربخشی را بگیرد که خداوند خودش آنها را در اختیار قومش قرار داده تا به رشد و بلوغ روحانی برسند. ما باید دوباره به جاده قدیم کتاب مقدس بازگردیم و با مردان و زنان امین و وفاداری هم‌قدم شویم که پیش از ما این مسیر را طی کردند. «خداوند چنین می‌گوید: بر طریق‌ها بایستید و ملاحظه نمایید و درباره طریق‌های قدیم سوال نمایید که طریق نیکو کدام است تا در آن سلوک نموده، برای جان خود راحت بیابید» (ارمیا ۶: ۱۶). در فصل‌های بعدی این کتاب، سه طریق معمولی فیض را مختصر بررسی خواهیم کرد. این سه طریق فیض را خدا سخاوتمندانه به ایمانداران و به کلیسا بخشیده است تا در ایشان خداترسی و زندگی خداپسندانه به بار آورد که همانا فقط با این‌گونه زیستن است که هرچه بیشتر به شباهت مسیح تبدیل می‌گردیم. کتاب مقدس، دعا، و خدمت و آیین‌های کلیسای محلی این سه طریق می‌باشند.

پرسش‌هایی جهت تفکر و تأمل

۱. عبارت لاتین *media gratiae* «مِدیَا گِرَاتِیَا» به چه معنا است؟
۲. طریق‌های فیض را که در این فصل به آنها اشاره شده است نام ببرید.
۳. چرا طریق‌های فیض، اغلب، طریق‌های معمولی فیض نامیده می‌شوند؟
۴. نادیده گرفتن طریق‌های معمولی و منتظر شدن برای طریق‌های فراطبیعی و غیرمعمول چه خطراتی به همراه دارد؟
۵. معنا و کاربرد پرسش شماره ۸۸ در «مجموعه مختصر پرسش و پاسخ وست مینستر» را توضیح دهید.

کتاب مقدس

پس از مقدمه‌ای کوتاه دربارهٔ طریق‌های فیض، اکنون نخستین و مهم‌ترین طریق را بررسی می‌نماییم: «مطالعه و تفسیر و توضیح کتاب مقدس.» از خدای تثلیث گذشته، بزرگ‌ترین و ضروری‌ترین هدیه‌ای که خداوند به کلیسا بخشیده کتاب مقدس است. جز کتاب مقدس، منبع دیگری وجود ندارد که دربارهٔ شخصیت خدا، احکام خدا، اعمال خدا، ارادهٔ خدا، و وعده‌های خدا حقیقت را بدون خطا بیان کند. پولس رسول در نامه به همکار جوانش، تیموتائوس، این حقیقت را محکم و قاطع چنین نوشت: «تمامی کُتب از الهام خدا است و به جهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفید است، تا مرد خدا کامل و به جهت هر عمل نیکوآراسته بشود» (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷).

کتاب مقدس نیاز ندارد انسان حقانیت و اصالت و اعتبار آن را تأیید کند، اما به خاطر خودمان هم که شده مهم است محکم و قاطع معترف باشیم که اعتقاد راسخ کلیسای راستین در هر دوره و زمانه این بوده که کتاب مقدس الهام الهی است، کتاب مقدس عاری از خطا است، و وجود کتاب مقدس حیاتی و مهم است. بیانیهٔ اعتقادنامهٔ وست مینستر و اعتقادنامهٔ کلیسای تعمیدی لندن (سال ۱۶۸۹) از این قرار می‌باشد:

کتاب مقدس یگانه معیار بسنده و قطعی و خطاناپذیر است برای شناخت، ایمان، و اطاعتی که به نجات و رستگاری می‌انجامد . . . به جهت حفظ بهتر حقیقت و ترویج آن و برای بنای کلیسا و تسلی آن با یقین و اطمینان بیشتر در جنگیدن با فساد

نفس انسان و کنبه‌توزی شیطان و دنیا، خداوند این مکاشفه الهی را مکتوب نمود. از این رو، کتاب مقدس برای ما کاملاً واجب و لازم و ضروری است، زیرا طریق‌های قبلی که خدا به وسیله آنها اراده خویش را به قومش مکشوف نمود، اکنون، متوقف شده‌اند.

اگر در اعتراف به الهام بودن و عاری از خطا بودن و بسنده بودن کتاب مقدس لحظه‌ای درنگ و تردید کنیم، آن زمان است که شالوده و زیربنای محکم برای زندگی مسیحی مان برای همیشه از زیر پای ما خالی خواهد شد. آن‌گاه، «متلاطم و رانده شده از باد هر تعلیم می‌شویم» (افسیسیان ۴: ۱۴). آن وقت است که پیوسته اسیر افکار و احساسات اشتباه می‌شویم و با هر تغییر ناگهانی از جای خود تکان می‌خوریم. این چنین است که گرفتار این بلای خانمان سوز می‌شویم که امیدمان دایم در نوسان خواهد بود، دمدمی مزاج می‌شویم، رفتار و کرداری سبک سرانه و نابهنجار و بی‌هدف از خودمان نشان خواهیم داد.

مطالعه کتاب مقدس

زمانی که عیسی مسیح در بیابان وسوسه می‌شود، حقیقتی را بس مهم درباره اساسی بودن و حیاتی بودن کتاب مقدس در زندگی ایمانداران بیان می‌کند آن هنگام که می‌فرماید: «مکتوب است انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد» (متی ۴: ۴). در اینجا، متوجه می‌شویم که برای رشد روحانی باید با کوشایی و پشتکاری از کلام خدا تغذیه شویم، دقیقاً به همان شکلی که باید روزانه به بدن‌هایمان خوراک برسد تا زنده بمانیم. کتاب مقدس کتابی است الهام الهی، ولی کتابی جادویی نیست. این‌گونه نیست که واژگان و حقایق کتاب مقدس بال درآورند و از صفحات آن پرواز کنند و در دل و قلب کسی که کتاب مقدس را در دست دارد جای بگیرند. برای اینکه از کتاب مقدس سود ببریم و برای ما مفید باشد، باید آن را مطالعه کنیم و آن را با جدیت و کوشایی مطالعه کنیم. پولس رسول برای تیموتائوس چنین می‌نویسد: «و سعی کن که خود را مقبول خدا سازی، عاملی که خجل نشود و کلام خدا را به خوبی انجام دهد» (دوم تیموتائوس ۲: ۱۵). «تا مادامی که نه آیم، خود را به قرائت و نصیحت و تعلیم بسیار... در این امور تأمل نما و در اینها راسخ باش تا ترقی تو بر همه ظاهر شود» (اول تیموتائوس ۴: ۱۳-۱۵).

هرچند پولس در اینجا مردی را اندرز می‌دهد که برای خدمت روحانی انتخاب شده بود، اندرز او در بُعد گسترده‌تر و عمومی‌تر در مورد همه ایمانداران کارآمد است. ایمانی که بر بنای کتاب مقدس است و معتقد به انجیل است و به اعتقادات الهیات اصلاح شده پایبند است تک‌تک ایمانداران - از بالغ‌ترین ایماندار گرفته تا یک نوایمان - را به مطالعه و ادراک و به کارگیری کتاب مقدس فرا می‌خواند. زمانی که عیسی مسیح اعلام می‌کند: «انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد»، قطعاً تک‌تک آدمیان منظورش است (متی ۴:۴). حال، در نظر بگیرید که این فرموده مسیح چقدر بیشتر در مورد اهل خانه ایمانداران صادق است!

اگر شما متقاعد نیستید و دل و جان نسپرده‌اید تا کتاب مقدس را شخصاً و پیوسته و با جدیت و کوشایی مطالعه و کندوکاو نمایید، ادامه این کتاب برای شما فایده‌ای نخواهد داشت. شالوده سفر ما در مسیر رشد ایمانمان بر شناخت ما از شخصیت و احکام و اعمال و اراده و وعده‌های خدا استوار است. دست یافتن به چنین معرفت و شناختی محال است اگر که ما شخصاً و جدی و کوشا کتاب مقدس را مطالعه نکنیم، اگر به موعظه و تفسیر و توضیح کتاب مقدس گوش نسپریم، و اگر در کلیسای راستینی که به کتاب مقدس تکیه دارد با بقیه ایمانداران مشارکت نداشته باشیم. اگر این شالوده و زیربنا را نادیده بگیریم، امیدی به پیشرفت در شناخت خدا یا پیش رفتن در مسیر اراده خدا وجود نخواهد داشت.

خواه نوایمان هستید خواه ایماندارای قدیمی، مهم‌ترین طریقی که می‌توانید به وسیله آن در شناخت خدا رشد نمایید این است که کتاب مقدس را از کتاب پیدایش تا کتاب مکاشفه بارها و بارها بخوانید و این خوانش و مطالعه را جزئی از فعالیت‌های روزانه‌تان قرار دهید، به گونه‌ای که خواندن کتاب مقدس به یک نظم و انضباط روزانه در زندگی‌تان تبدیل شود. من، که خادمی هستم که به خدمت روحانی گماشته شده‌ام، در طول یک روز، ساعت‌ها، کتاب مقدس را مطالعه می‌کنم، با این حال، به این نتیجه رسیده‌ام که هیچ چیز نمی‌تواند جای خواندن روزانه کتاب مقدس را بگیرد. از این رو، آنچه برای من مفید و سودمند بوده است به شما نیز توصیه می‌کنم. توصیه من به شما این است که روزانه وقت مشخصی را به خواندن کتاب مقدس اختصاص بدهید. در خواندن عجله نداشته باشید و از طرفی هم دلخور نشوید که چرا آهسته و

قدم به قدم پیش می‌روید. طبیعی است که یک بخش‌هایی از کتاب مقدس را سریع‌تر از سایر بخش‌ها بخوانید. بعضی روزها سه یا چهار فصل را می‌خوانید، بعضی روزها فقط یک فصل را می‌خوانید. هدف این است که از خواندن کتاب مقدس حظّ ببرید تا در شناخت خدا رشد کنید و این شناخت شما را دگرگون نماید. برای مطالعه روزانه کتاب مقدس، از صمیم قلبم به شما توصیه می‌کنم یک کتاب تفسیر کتاب مقدس را در کنار خودتان داشته باشید تا بتوانید به وقت نیاز، همان لحظه، به آن مراجعه کنید. این کتاب تفسیری در پیدا کردن معنای عبارت‌ها و اصطلاحات دشوار و آشنایی با سابقه و تاریخچه مسیحیت شاخه انجیلی به شما کمک می‌کند. من چهار کتاب مفید درباره تفسیر کتاب مقدس به شما معرفی می‌کنم: تفسیر کتاب مقدس از دیدگاه میراث‌داران اصلاحات کلیسا، تفسیر کتاب مقدس از دیدگاه جنبش اصلاحات کلیسا، تفسیر کتاب مقدس معروف به ای اس وی، تفسیر عهدعتیق به قلم جان مک‌آرتور و تفسیر عهد جدید به قلم جان مک‌آرتور.^۱

وقتی کتاب مقدس را مطالعه می‌کنید، بی‌چون و چرا آیات و متن‌های کلیدی و زیربنایی را کشف می‌کنید که به حقایق عظیم الهیاتی می‌پردازند. در کنار آنها، با آیات و متن‌های دیگری آشنا می‌شوید که برای شرایط و نیازهای کنونی شما معنا و اهمیت خاص و ویژه‌ای دارند. این آیات را باید به حافظه بسپرید. برای به حافظه سپردن آیات، روش‌ها و شیوه‌های فراوانی وجود دارند، ولی همگی این روش‌ها و شیوه‌ها یک ویژگی مشترک دارند: سخت‌کوشی و استقامت و ثبات قدم! ما معمولاً گمان می‌کنیم سایر ایمانداران به خاطر عطیه‌های روحانی که به آنها عطا شده و به خاطر نبوغ و استعداد ذاتی و یا نوع شخصیتشان در انجام تکلیف و وظیفه یا انضباط روحانی خاصی سرآمد و برتر از دیگران هستند. بله، آنها در انجام تکلیف و وظیفه یا انضباط روحانی خاصی سرآمد هستند، چون آن تکلیف و وظیفه یا انضباط روحانی را سهل‌تر و آسان‌تر از ما به‌جا می‌آورند. اما، به نظر من، این نتیجه‌گیری در بیشتر موارد درست نیست. بله، ممکن است حافظه عده‌ای برای حفظ آیات کتاب مقدس قوی‌تر باشد، ولی آنها در

۱. فهرست منابع:

The Reformation Heritage KJV Study Bible, ed. Joel R. Beeke, Michael Barrett, Gerald Bilkes, and Paul Smalley (Grand Rapids: Reformation Heritage Books, 2014); *The Reformation Study Bible*, ed. R. C. Sproul (Orlando, Fla.: Reformation Trust, 2015); *ESV Study Bible* (Wheaton, Ill.: Crossway, 2011); *MacArthur Study Bible*, ed. John MacArthur (Nashville, Tenn.: Thomas Nelson, 2013).

این تکلیف و انضباط روحانی سرآمد و از بقیه جلوترند، چون متوجه هستند چقدر برای آنها مفید و سودمند است که کتاب مقدس را ملکه ذهنشان بسازند. از این رو، حاضرند سختی این کار را به جان می‌خرند. نویسنده مزمور می‌گوید: «کلام تو را در دل خود مخفی داشتم که مبادا به تو گناه ورزم» (مزمور ۱۱۹: ۱۱). شکل وارونه آیه نامبرده چنین خواهد بود: «کلام تو را در دل خود مخفی نداشتم که به تو گناه ورزم.»

می‌دانم که این توصیه‌ها و پیشنهادهای من در نظر بسیاری ساده‌گویی زیاد است. با این حال، باید این را بدانیم که خواندن چندین و چند باره کتاب مقدس از صفحه اول تا صفحه آخر رسمی است که برجسته‌ترین مقدسان در تاریخ کلیسا آن را با جان و دل به جا آوردند. این رسم تا امروز به قوت خود باقی است. اگر هنوز نمی‌دانید برنامه‌ریزی برای خواندن و مطالعه کتاب مقدس را از کجا شروع کنید، کتاب «تقویم خواندن کتاب مقدس، به قلم مورای مک‌شین» می‌تواند شما را در این قدم یاری برساند. آر. إم. مک‌شین (۱۸۱۳-۱۸۴۳) خادم کلیسای پطرس مقدس در شهر داندی در اسکاتلند بود. او برای خواندن منظم و روزانه کتاب مقدس تقویمی را تهیه کرد تا ایمانداران را راهنمایی کند که در طول یک سال، یکبار، عهدعتیق را و دو بار عهدجدید و مزامیر را از اول تا آخر بخوانند. نسخه چاپی و الکترونیکی این کتاب موجود است. این کتاب چندین دهه است کمک حال بسیاری از مقدسانی بوده که خود را سرسپرده خواندن کتاب مقدس نموده‌اند.

تفسیر و کندوکاو کتاب مقدس

همزمان با خواندن و مطالعه فردی کتاب مقدس، موضوع دیگری که اهمیت دارد تعلیم و موعظه کتاب مقدس در کلیسای محلی است، به همت و خدمت رهبران امین که ما را شبانی می‌کنند. نشستن پای منبر شبانان خداترس که سرسپرده‌اند تا کتاب مقدس را مطالعه کنند و با تکیه بر آن زندگی کنند و آن را اعلام کنند یکی از طریق‌های عالی و برجسته فیض است برای قوم خدا. نمونه‌ای عالی و زیبا از چنین خادمی را در زندگی و خدمت عزرا مشاهده می‌کنیم. کتاب مقدس درباره عزرا چنین شهادت می‌دهد: «چون که عزرا دل خود را به طلب نمودن شریعت خداوند و به عمل آوردن آن و به تعلیم دادن فرایض و احکام به اسرائیل مهیا ساخته بود» (عزرا ۷: ۱۰). مثالی دیگر از توصیف یک کاهن نمونه را در کتاب ملاکی می‌خوانیم: «شریعت حق در

دهان او می‌بود و بی‌انصافی بر لب‌هایش یافت نمی‌شد، بلکه در سلامتی و استقامت با من سلوک می‌نمود و بسیاری را از گناه برمی‌گردانید. زیرا که لب‌های کاهن می‌باید معرفت را حفظ نماید تا شریعت را از دهانش بطلبند، چون که اورسول یهوه صباوت می‌باشد» (ملاکی ۲: ۶-۷).

همان‌طور که هیچ‌چیز نمی‌تواند جایگزین مطالعه فردی ما در کتاب مقدس بشود، هیچ‌چیز هم نمی‌تواند جای خدمت شبان‌خدا ترس را بگیرد که کتاب مقدس را تفسیر می‌کند و آن را به اعضای کلیسایش، که شخصاً آنها را می‌شناسد و آنها را دوست دارد و آنها را با فداکاری خدمت می‌کند، تعلیم و توضیح می‌دهد. در سال‌های اخیر، با گسترش و توسعه اینترنت، ایمانداران این فرصت را یافته‌اند که به موعظه و اعطان‌کردان و توانا در سراسر جهان گوش بسپارند، این اتفاق خوبی‌ها و بدی‌های مخصوص به خودش را دارد. خدمت اینترنتی در فضای مجازی نمی‌تواند جایگزین حضور فیزیکی و حیاتی ایمانداران در کلیسای محلی بشود. برجسته‌ترین و اعطان‌اینترنتی، هرچند حضورشان در فضای مجازی خالی از فایده نیست، نمی‌توانند جایگزین شبان‌خدا ترسی بشوند که به کتاب مقدس امین است. چه بسا یک شبان‌مدارک عالی تحصیلی نداشته باشد یا صاحب عطیه‌های خاص و فوق‌العاده نباشد، ولی، اگر شبانی امین و وفادار است، برای روند تقدیس شدن شما صد مرتبه ارزشمندتر است از جماعت و اعطان‌اینترنتی! بی‌اعتنایی به این طریق عالی و مهم فیض‌نشانه عدم بلوغ روحانی و کرختی دل است.

بسیار مهم است به یاد داشته باشیم که حتی برجسته‌ترین و اعطان‌نیز به هر حال انسان هستند و ممکن است اشتباه کنند. پس باید موعظه آنها را با کلام خدا محک بزنیم. ما هم باید مانند اهالی بیریه در زمانه پولس باشیم که «در کمال رضامندی، کلام را پذیرفتند»، با این حال، «هر روز کُتب را تفتیش می‌نمودند که آیا این همچنین است» (اعمال رسولان ۱۷: ۱۱). ما نباید نبوت‌ها را (یعنی موعظه بر مبنای کتاب مقدس را) خوار بشمریم، بلکه باید همه چیز را به دقت تحقیق و بررسی نماییم. عطیه نبوت پایان یافته است. اما توصیه و تذکر و هشدار و پند و اندرز به کلیسا همچنان ادامه دارد. کلام انبیا در کلام عاری از خطای کتاب مقدس، تا ابد، ثبت شده است. ما نباید تفسیر دقیق و کاربرد این کلام نبوت را خوار بشمریم، حتی زمانی که این کلام نبوت در کتاب مقدس گناه ما را بر ملا می‌کند و ما را توبیخ و اصلاح می‌کند و تذکر و هشدار و پند

و اندرز می دهد. با این حال، باید در پرتو کتاب مقدس هر پیغامی را که موعظه می شود محک بزیم و آن را بیازماییم تا مطمئن شویم آن پیغام و موعظه دقیق و بناکننده است (اول تسالونیکیان ۲۰:۵-۲۱). برای آنکه بتوانیم از این تذکرها و توصیه ها و پندها و اندرزها اطاعت کنیم، باید خودمان کلام خدا را کوشا و پیوسته مطالعه نماییم.

پیش از ادامه مطالب، لازم است به شبانان اندرزی بدهم. شما مفتخرترین و صاحب امتیازترین اشخاص روی زمین هستید که مسوولیتی سنگین به دوش دارید. اگر ایمانداران خوانده شدند تا نجات خود را با ترس و لرز به عمل آورند، چقدر بیشتر، شما باید خدمت خودتان را با جدیت و کوشایی بیشتری به انجام برسانید (فیلیپیان ۱۲:۲). آیا حواستان هست که بیشترین گلابی ایمانداران این است که شبانان آنها، بیش از آنکه دغدغه مطالعه کلام خدا و دعا در خلوت و زندگی خداپسندانه و تفسیر و کندوکاو کتاب مقدس را داشته باشند، نگران برنامه های جانبی کلیسا و افزایش جمعیت کلیسایشان هستند؟ برادران عزیز، ای کاش که این گلابیه ها را از ما نداشته باشند! ای کاش ما هم مانند عزرا باشیم که «دل خود را به طلب نمودن شریعت خداوند و به عمل آوردن آن و به تعلیم دادن فرایض و احکام به اسراییل مهیا ساخته بود» (عزرا ۷:۱۰). مانند رسولان خداوند، ای کاش ما هم «خود را به عبادت و خدمت کلام» بسپریم (اعمال رسولان ۴:۶).

بهره مندی از کتاب مقدس در مراسم نیایش و پرستش

کتاب مقدس را نباید فقط در خلوت خودمان مطالعه کنیم. مطالعه کتاب مقدس نباید فقط به توضیح و تفسیر آن در زمان موعظه نمودن محدود شود. کتاب مقدس باید در مراسم عمومی نیایش و پرستش در کلیسا گل سرسبد باشد. در مراسم عمومی نیایش و پرستش در کلیسا، کتاب مقدس سه جایگاه اصلی دارد: خواندن عمومی کلام خدا در حضور اعضای کلیسا، تفسیر و توضیح کلام خدا برای اعضای کلیسا، سرود خواندن بر مبنای آیات و حقایق کلام خدا.

این روزها، خواندن بخش های طولانی کتاب مقدس در حضور اعضای کلیسا اتفاقی نادر و کمیاب است. در واقع، بسیاری حیرت می کنند و متعجب می شوند اگر که بدانند خواندن بخش های طولانی کتاب مقدس در حضور اعضای کلیسا رسم کلیساهای اصلاح گرا و انجیلی بود و در کانون مراسم پرستش و نیایش عمومی آنها قرار

داشت. این رسم به خاطر سلیقه شخصی پدران و نیاکان روحانی ما بنا گذاشته نشد، بلکه، در اصل، این حکم کتاب مقدس است. در رساله اول تیموتائوس ۳: ۱۵، پولس رسول رهنمود بلندبالایی به ما می‌دهد که «چگونه [یک نفر] باید در خانه خدا رفتار» بکند. او حکم می‌دهد که خواندن کتاب مقدس باید در کانون پرستش دسته جمعی در کلیسا قرار داشته باشد: «تا مادامی که نه آیم، خود را به قرائت و نصیحت و تعلیم بسیار» (اول تیموتائوس ۴: ۱۳).

ما خانه را بر ماسه بنا می‌کنیم اگر که این حکم را به این عذر و بهانه نادیده بگیریم که خواندن طولانی مدت کتاب مقدس باعث می‌شود جلسات پرستش و نیایش‌گند و آهسته پیش بروند. دلیل دیگری بی‌اعتنایی به حکم یادشده این است که مردم در این دوره و زمانه دیگر نمی‌توانند حواس جمع باشند و با شش دانگ حواسشان به مطلبی گوش بدهند. ما نباید به معیارهای کم‌ارزش فرهنگمان تن دهیم یا آنها را راست بپنداریم. یکی از اشتباه‌ها و ارتدادها و کج‌روی‌های بی‌شمار مذهب کاتولیک این است که مسیحیت را هم‌رنگ جماعت نموده تا به این وسیله مسیحیت را در چشم فرهنگ جامعه خوشایند و پسندیده جلوه دهد. در نقطه مقابل، کلیساهای پیرو اصلاحات کلیسا به کتاب مقدس پایبند و وفادار مانده‌اند و در عوض فرهنگ جامعه را فراموش می‌خوانند تا خودشان را با معیار والا و بلندمرتبه کتاب مقدس سازگار کنند. مذهب کاتولیک تنها کاری که از دستش برمی‌آید آلوده کردن مسیحیت است و پایین آوردن شأن و منزلت آن. حال آنکه، ایمانداران پیرو اصلاحات کلیسا سعی برای این دارند تا فرهنگ جامعه را از نظر روحانی و آموزشی و اقتصادی و اجتماعی به سطح بالاتری برسانند. مردم در این عصر اینترنت شیفته فضای مجازی اند و ولع دارند یک لقمه از این صفحه اجتماعی بچوند و هنوز آن لقمه را قورت نداده به سراغ صفحه و مطلب دیگری بروند. این مردم دیگر نمی‌توانند بخش‌های طولانی کتاب مقدس را تحمل کنند و طاقت ندارند به موعظه‌های بیشتر از بیست دقیقه گوش بدهند. حال آنکه، این ما هستیم که نباید با این طرز فکر مدارا کنیم و با عادت مردم این دوره و زمانه کنار بیاییم. کار ما این است که با مهر و محبت و شکیبایی به خواندن کتاب مقدس ادامه دهیم تا کلام خدا مردم را تبدیل و دگرگون سازد.

رهبران، معلمان، و مبشران خداشناسی که سرسپرده مطالعه کتاب مقدس می‌باشند و کتاب مقدس را با امانت و وفاداری تفسیر می‌کنند و توضیح می‌دهند این

مهم را دوشادوش و هم‌راستا با خواندن و مطالعه کتاب مقدس به جا می‌آورند. این خودش شکل و شیوه‌ای از پرستش و نیایش است که کسی که کلام خدا را موعظه می‌کند صفت‌های خدا و کارهای خدا را نیز اعلام می‌کند و شرح می‌دهد و تفسیر می‌کند و تحسین می‌کند و ارج می‌نهد. چنین راه و روشی موجب می‌شود عزت و احترامی آمیخته به ترس در دل اعضای ایماندار کلیسا عمیق‌تر ریشه بگیرد و آنها خدا را بیشتر حرمت بنهند و او را بیشتر دوست بدانند. جان کالوین، این ایماندار برجسته اصلاح‌گرا و اهل ژنو، چنین نوشته است: «یک معلم خوب همیشه هدفش باید این باشد که چشم مردم را از دنیا بردارد تا نگاه آنها همواره به آسمان باشد» (نقل قول از تفسیر کتاب تیطس، به قلم کالوین ۲:۱، ۲۱:۲۸۳). پیغام راستینی که بر پایه کتاب مقدس موعظه می‌شود اولویت اولیه‌اش این نیست که راه و رسم و قاعده بازی زندگی را به مردم یاد بدهد و ذهن اعضای کلیسا را به این سمت سوق بدهد که فقط همه دغدغه‌شان این باشد که اکنون و در حال حاضر بهترین و عالی‌ترین زندگی را داشته باشند. موعظه اصیل و بر پایه کتاب مقدس از شناخت خدا به مردم می‌گوید تا آن‌گاه که شناخت خدا حاصل شود، ثمره‌اش ایمان و پرستش و اطاعت از صمیم قلب باشد. این دیدگاه تاریخی درباره موعظه کلام خدا نیز که همواره یکی از طریق‌های حیاتی فیض به حساب می‌آید مانند خواندن کتاب مقدس در حضور اعضای کلیسا به اتفاقی نادر و نایاب تبدیل شده است. شما، اگر ایماندار به مسیح هستید، باید این طریق فیض ارجحیت و اولویت زندگی شما باشد. هر بهایی که برایتان داشته باشد، هر دشواری و سختی ورنجی هم که اگر باید در این مسیر تحمل کنید، بر شما واجب است کلیسایی را پیدا کنید و عضو کلیسایی بشوید که رهبران و معلمان آن کلیسا سرسپرده مطالعه و کندوکاو کتاب مقدس می‌باشند و موعظه و تعلیم کلام خدا را خدمت اصلی زندگی خودشان می‌دانند و پیغام‌ها و موعظه‌های آنها به شناخت شما از خدا کمک می‌کنند و به شما انگیزه می‌دهند تا خدا را در روح و راستی بپرستید، «زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است» (یوحنا ۴:۲۳).

سرود خواندن بر مبنای بافت و محتوای کتاب مقدس موضوع دیگری است که دوشادوش خواندن کتاب مقدس و تفسیر کتاب مقدس پیش می‌رود. سرود خواندن دسته‌جمعی اعضای کلیسا پرستش و عبادت به حساب می‌آید. مخاطب خاص ما در این سرودهای روحانی باید خدا باشد، به هدف بنا کردن اعضای کلیسا به لحاظ

روحانی. سرودی که قرار است خدا را خشنود و مقدسان را بنا کند باید بر مبنای کتاب مقدس باشد و آموزنده. واژه «آموزنده» در زبان یونانی برگرفته از فعلی است به نام *didaskain* «دیداسکین» که به معنی «تعلیم دادن» می‌باشد. سرودهای پرستشی و آموزنده سرودهایی رهنمودبخش و آگاهی‌دهنده و تعلیم‌بخش می‌باشند. این سرودهای آموزنده حقیقت کتاب مقدس را بیان می‌کنند. کلام پولس به کلیسای کولسیان این واقعیت را ثابت می‌کند که سرود خواندن باید آموزنده باشد: «کلام مسیح در شما به دولت‌مندی و به کمال حکمت ساکن بشود و یکدیگر را تعلیم و نصیحت کنید به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی و با فیض در دل‌های خود خدا را بسرایید» (۱۶:۳). شماری از کلیساهای پیرو جنبش اصلاحات بر این باورند که بهترین و بی‌خطرترین راه این است که سرود خواندن در کلیسا را به راهنمای اصلی و اولیه‌ی خدا که همانا کلامش، کتاب مقدس، است محدود کنیم. به عبارتی، بهترین راه این است که فقط مزامیر را بخوانیم و بسراییم. از طرفی، شمار دیگری از کلیساهای اصلاح‌گرا مشکلی نمی‌بینند که در کلیسا سرودهای روحانی بخوانند که بیانگر حقایق عظیم الهیاتی و پند و اندرز و تشویق و دلگرمی و هشدارهای کتاب مقدس است. این دو دیدگاه، در حالی که به عقیده‌ی خودشان پایبندند، هر دو قبول دارند که سرود خواندن دسته‌جمعی در مراسم عبادت و پرستش کلیسا یکی از طریق‌های مهم و معتبر فیض است برای قوم خدا. بسیاری از پژوهشگران مسیحی و تاریخ‌دان‌های کلیسا بر این باورند که حقایق عظیم جنبش اصلاحات کلیسا نه فقط از طریق موعظه و اعظان اصلاح‌گرا به مردم عادی منتقل می‌شود، بلکه سرودهای روحانی که بر مبنای کتاب مقدس به قلم اعضای کلیسا نوشته و خوانده می‌شوند نیز نقش مهمی به عهده دارند تا حقایق عظیم الهیات اصلاحات را به مردم عادی منتقل کنند. این یک اتفاق تصادفی نیست که سرودنامه‌ی کتاب مقدس، یعنی کتاب مزامیر، منبع و مرجع اصلی برای مطالعه و کندوکاو درباره‌ی برجسته‌ترین الهیات مسیحی است، به ویژه در خصوص خداشناسی. پولس رسول در نامه‌اش به کولسیان این ارتباط میان پرستش و کلام خدا را تصدیق می‌کند: «کلام مسیح در شما به دولت‌مندی و به کمال حکمت ساکن بشود و یکدیگر را تعلیم و نصیحت کنید به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی و با فیض در دل‌های خود خدا را بسرایید» (کولسیان ۱۶:۳).

ابراز احساسات که ریشه در کتاب مقدس دارد هدیه‌ای دلپذیر از طرف خدا می‌باشد و پرستش و نیایشی که در کتاب مقدس ریشه داشته باشد، به یقین، قدرت دارد در راستای اراده‌ی خدا احساسات ما را برانگیزد. با این حال، احساساتی شدن ما در زمانی که به نوای موسیقی یا ترانه یا سرود روحانی یا به دسته‌ی سراینندگان در کلیسا گوش می‌دهیم به هیچ عنوان نشانه‌ی این نیست که احساسات ما حتماً درست و بیجا و سنجیده است. کتاب مقدس سنگ محک احساسات ما است و احساسات ما باید با شنیدن حقایق عظیم کتاب مقدس برانگیخته شوند. فقط این بسنده نیست که یک سرود روحانی از بدعت و ارتداد سخن نگوید؛ یک سرود روحانی علاوه بر اینکه باید از هرگونه ارتداد و کج‌روی عاری باشد، باید از حقیقت لبریز و آکنده باشد! اگر نوای موسیقی و ریتم و ضرباهنگ را از متن سرود جدا کنیم، آنچه باید باقی بماند حقیقت کتاب مقدس است که از زبان آن سرود بیان خواهد شد.

درونمایه‌ی برجسته‌ی کتاب مقدس

ما بررسی نمودیم که کتاب مقدس آن طریق عظیم و برجسته‌ای است که به وسیله‌ی آن نه فقط نجات می‌یابیم، بلکه تقدیس هم می‌شویم، چنان که پولس می‌فرماید: «و اینکه از طفولیت کُتب مقدسه را دانسته‌ای که می‌تواند تو را حکمت آموزد برای نجات، به وسیله‌ی ایمانی که بر مسیح عیسی است» (دوم تیموتائوس ۳: ۱۵). با این حال، ما سهل‌انگاری می‌کنیم اگر که به اساسی‌ترین حقیقت توجه نکنیم. اساسی‌ترین حقیقت این است که درونمایه‌ی اصلی و مرکزی کتاب مقدس شخص خداوند عیسی مسیح و کاری می‌باشد که او برای نجات و رستگاری ما به انجام رساند. عیسی مسیح سنگ آهن ربای کتاب مقدس است و او باید آغاز و کانون و پایان هر آنچه باشد که ما در کتاب مقدس می‌خوانیم و مطالعه می‌کنیم و به حافظه می‌سپاریم و بر آن تمرکز و تأمل می‌کنیم و آن را موعظه می‌نماییم و آن را می‌سراییم.

این درست است که پیغام انجیل زیرمجموعه‌ی کتاب مقدس به حساب می‌آید. با این حال، پیغام انجیل چنان درونمایه‌ی مهم و نفیس و ممتازی است که باید خاص و منحصر به فرد به آن توجه کنیم. بسیاری از واعظان در سراسر عصرها و دوران‌ها تصدیق نموده‌اند که خاک و غباری که روی کتاب مقدس را می‌پوشاند همچون طلای ناب است و کوچک‌ترین حرف الفبا یا حرکت قلم در کتاب مقدس با ارزش‌تر از کل

کتاب‌هایی است که تاکنون نوشته شده و در آینده نوشته خواهد شد. با این حال، حتی در کتاب مقدس نیز یک پیغام مرکزی و یک حقیقت وجود دارد که برتر و بالاتر از همه پیغام‌ها است: «که مسیح بر حسب کُتب در راه گناهان ما مرد و اینکه مدفون شد و در روز سوم بر حسب کُتب برخاست» (اول قرنتیان ۱۵: ۳-۴). همین چند تأییدیه گویای عظیم‌ترین مکاشفه خدا و بیانگر کل نجات و رستگاری ما است.

انجیل نه فقط «قدرت خدا است برای نجات هر کسی که ایمان بیاورد»، بلکه بزرگ‌ترین تسریع‌کننده یا محرک برای پیشرفت ما در ایمان و ثابت قدم ماندن ما در ایمان می‌باشد (رومیان ۱: ۱۶). به قول پولس رسول: «زیرا محبت مسیح ما را فرو گرفته است، چون که این را دریافتیم که یک نفر برای همه مرد، پس همه مردند و برای همه مرد تا آنانی که زنده‌اند از این به بعد برای خویشتن زیست نکنند، بلکه برای او که برای ایشان مرد و برخاست» (دوم قرنتیان ۵: ۱۴-۱۵).

در انجیل عیسی مسیح، هزاران دلیل برای ایمان آوردن و هزاران انگیزه برای رشد نمودن در ایمان و برای استقامت و پایداری در ایمان و برای خدمت کردن و فداکاری نمودن پیدا می‌شود. یک گوشه چشم از مسیح کفایت می‌کند قلبی را که تولد تازه دارد به پیش ببرد و گذر دهد از میدان جنگ روحانی و نبرد با جسم و آزمون‌ها و آزمایش‌های درونی و آزار و جفا و ضعف و ناتوانی جسمانی. موسی گوشه چشمی از مسیح در انجیل را در آینده دور می‌بیند که انگیزه می‌یابد از مصر و از خوشی‌های گذرای گناه چشم پوشد و سختی و مصیبت قوم خدا را به جان بخرد و در مقابل قدرتمندترین حاکم جهان بایستد. رساله عبرانیان می‌فرماید: «به ایمان، چون موسی بزرگ شد، ابا نمود از اینکه پسر دختر فرعون خوانده شود و دلیل بودن با قوم خدا را پسندیده‌تر داشت از آنکه لذت اندک‌زمانی گناه را ببرد و عار مسیح را دولتی بزرگ‌تر از خزائن مصر پنداشت، زیرا که به سوی پاداش نظر می‌داشت. به ایمان، مصر را ترک کرد و از غضب پادشاه نترسید، زیرا که چون آن نادیده را بدید، استوار ماند» (عبرانیان ۱۱: ۲۴-۲۷). پولس گوشه چشمی از مسیح را می‌بیند که انگیزه می‌یابد زندگی‌اش را وقف خدمت خستگی‌ناپذیر نماید و سرانجام نیز شهید شود. این گوشه چشمی از مسیح است که به جان بانیان قوت می‌بخشد سال‌های زندگی‌اش را پشت میله‌های زندان سپری کند و حاضر نشود خواندگی‌اش را برای موعظه انجیل انکار نماید. این گوشه چشمی از مسیح است که ویلیام گری را به هندوستان و هادسن تایلر را به چین

و جرج مولر را نزد کودکان یتیم در شهر بریستول انگلیس می فرستد. به قول نویسنده کتاب عبرانیان (۳۲:۱۱): «و دیگر چه گویم؟ زیرا که وقت مرا کفاف نمی دهد» که اخبار نامیم از ماجرای مقدسان بی شمار در دوران های مختلف که کارهای فوق العاده انجام دادند و سختی های عظیم و عجیب را فقط به یک انگیزه تحمل نمودند و تاب آوردند: اینکه عیسی مسیح برای گناهکاران جان فدا کرد! اگر شما هم می خواهید به جمع این اشخاص محترم و ارجمند پیوندید و مانند آنها جفا ببینید و پایداری کنید، بالاتر از همه چیز، در کتاب مقدس و در دعا جويا و طالب عیسی مسیح باشید. آن حکیم در توصیف حکمت چه زیبا گفت که آن حکمت در نهایت در مسیح تحقق می یابد و بس. عیسی مسیح از جواهر گران بهاتر است و خواسته و شوق دل شما، هرچه که هست، قابل مقایسه با او نیست. کلام خدا این حقیقت را چنین بیان می کند: «از لعل ها گران بهاتر است و جمیع نفایس تو با آن برابری نتواند کرد» (امثال سلیمان ۳: ۱۵).

پرسش هایی جهت تفکر و تأمل:

۱. مهم ترین طریق فیض که خدا به ایمانداران بخشیده است چه می باشد؟
چرا این طریق فیض مهم ترین یا زیربنایی ترین طریق است؟
۲. کدام آیه کتاب مقدس اساسی بودن و حیاتی بودن کتاب مقدس را ثابت می کند؟ این آیه گویای چه حقیقتی است؟
۳. آیا با این جمله موافق هستید؟ چرا؟ «اگر در اعتراف به الهام بودن و عاری از خطا بودن و بسنده بودن کتاب مقدس لحظه ای درنگ و تردید کنیم، آن زمان است که شالوده و زیربنای محکم برای زندگی مسیحی مان برای همیشه از زیر پای ما خالی خواهد شد.»
۴. این جمله به چه معنا است؟ آیا با آن موافق هستید؟ «کتاب مقدس کتابی است الهام الهی، ولی کتابی جادویی نیست. این گونه نیست که واژگان و حقایق کتاب مقدس بال درآورند و از صفحات آن پرواز کنند و در دل و قلب کسی که کتاب مقدس را در دست دارد جای بگیرند. برای

اینکه از کتاب مقدس سود ببریم و برای ما مفید باشد، باید آن را مطالعه کنیم و آن را با جدیت و کوشایی مطالعه کنیم.»

۵. چگونه باید کتاب مقدس را مطالعه نماییم؟ این فصل چه راه و روشی را برای مطالعه کتاب مقدس پیشنهاد می‌دهد؟ چرا؟

۶. به گفته این فصل، چقدر مهم است که ما عضو یک کلیسای محلی بشویم و به موعظه‌های رهبران باکفایتی گوش بسپاریم که کلام خدا را با تفسیر و کندوکاو توضیح می‌دهند و موعظه می‌کنند؟

۷. در مراسم عمومی نیایش و پرستش در کلیسا، کتاب مقدس سه جایگاه اصلی دارد. آن سه جایگاه کدامند؟ هر یک از این سه جایگاه دارای چه معنایی می‌باشند؟

۸. چرا باید انجیل عیسی مسیح تمرکز اصلی مطالعه و موعظه و پرستش ما باشد؟ توضیح دهید که چرا مسیح و انجیلش بزرگ‌ترین محرک در زندگی مسیحی است.

دعا

از قرار معلوم، مطالعهٔ روزانهٔ کتاب مقدس و دعا کردن دو مقوله‌ای می‌باشند که بر سر اینکه کدام‌یک در زندگی مسیحی نادیده گرفته شوند و به آنها بی‌توجهی و بی‌اعتنایی شود رقابت دارند. شاید این گفته‌ام ساده‌گویی به نظر برسد، اما این نادیده گرفتن تقریباً منشأ و سرچشمهٔ همهٔ بیماری‌ها و ناخوشی‌های روحانی است که می‌تواند تک‌تک ایمانداران و جمع کلیسا را گرفتار کند. گویا همهٔ ایمانداران به اتفاق آراء در مورد ضرورت مطالعهٔ کلام خدا و دعا کردن هم عقیده هستند و هم‌زمان نیز همه به اتفاق آراء اعتراف می‌کنند که شخصاً در مطالعهٔ کلام خدا و در دعا کوتاهی و غفلت کرده‌اند. خادمان کلیسا و اعضای کلیسا به این نکته اغلب اشاره می‌کنند: «من هرگز ایمانداری را نمی‌شناسم که وقتی در بستر مرگ خوابیده است زانوی غم بغل بگیرد و از این به سوگ بنشیند که چرا همهٔ عمرش را وقف مطالعهٔ کلام خدا و دعا نموده است.» همهٔ اینها باید ما را به پرسشی بسیار مهم اما دردناک برساند: «چرا دعا کردن برای ما این قدر دشوار است؟» بدیهی‌ترین دلیلش جسم ما و خودکفایی سرکش و سرسخت جسم ما است. جسم ما از دعا در خلوت بیزار است، چون دعا به معنی انکار خودکفایی است و راه را بر فرخ نمودن و بالیدن به خویشستن می‌بندد و ما را از تحسین و دست زدن و آفرین گفتنی که دل‌مان می‌خواهد از مردم بشنویم محروم می‌کند و توجه‌مان را به سمت خدا جلب می‌نماید. از یک نظر، جسم ما می‌تواند علامت راهنما باشد که به ما نشان دهد مهم‌ترین امر در زندگی مسیحی به راستی چه می‌باشد، چرا که جسم ما با هرچه که ضدیت دارد همان در زندگی مسیحی مهم‌ترین و حیاتی‌ترین است. حال،

با خود بیندیشیم که بیشتر از خواندن کتاب مقدس و دعا کردن در خلوت چه کاری می‌تواند وجود داشته باشد که جسم ما با آن ضدیت داشته باشد؟

دلیل دیگر کشمکش و کلنجار ما برای دعا کردن در واقع بی‌ایمانی ما است. دعا فرصتی است برای مشارکت در معجزات و ایستادن و نگریستن به اینکه خدا «بکند بی‌نهایت زیادتراز هر آنچه بخواهیم یا فکر کنیم» (افسیان ۲۰:۳). در انجیل لوقا ۱:۱۸-۸، عیسی مسیح یکی از عظیم‌ترین خطابه‌های خودش را درباره تمایل خدا به اجابت دعای مستمر و پیگیر بیان می‌کند. سپس کلام خودش را با یکی از غم‌انگیزترین بیانی‌ها درباره بی‌ایمانی قومش و سرسپرده نبودن به دعا پایان می‌دهد: «لیکن، چون پسرانسان آید، آیا ایمان را بر زمین خواهد یافت؟» (لوقا ۱۸:۸).

برادران و خواهران عزیز در مسیح، ای کاش این آیه توصیف نسل ما نباشد. ای کاش ما جزو کسانی نباشیم که ندارند، چون درخواست نمی‌کنند (یعقوب ۲:۴). باشد که بازوی جسم و اندوخته‌های ضعیف و ناتوان جسم را کنار بزنیم و خودمان را با تمام وجود، با جدیت و پشتکار، در دعا تقدیم خدا نماییم. مگر نه اینکه این وعده خداوند است که «زیرا که چشمان خداوند در تمام جهان تردد می‌کند تا قوت خویش را بر آنانی که دل ایشان با او کامل است نمایان سازد» (دوم تواریخ ۹:۱۶)؟ «ای متذکران خداوند، خاموش مباشید و او را آرامی ندهید تا اورشلیم را استوار کرده، آن را در جهان محل تسبیح بسازد» (اشعیا ۶۲:۶-۷). هرچه کمتر به جسم اعتماد کنیم و خودمان را بیشتر در دعا به خدا بسپریم، قدرت معجزه‌گر خدا را بیشتر به چشم خواهیم دید که در ما و از طریق ما عمل می‌کند. با چنین وعده‌هایی، چگونه می‌توانیم مأیوس و ناامید باشیم؟ چطور می‌توانیم از جای خود برنخیزیم و پیش نرویم؟

سرمشق گرفتن از مسیح

برای اینکه بی‌منطق و بی‌معنی بودن خودکفایی خودمان را بر ملا نماییم، باید خودمان را با آن انسان کامل، که هم خدا و هم انسان است، با عیسی مسیح، مقایسه کنیم. زیاده‌گویی نیست اگر تصدیق کنیم که عیسی مسیح مرد دعا بود. سه سال خدمت او در این کره خاکی، به یقین، شلوغ‌ترین خدمت بود. همه از او درخواست داشتند و بدیهی است که مشغله آن سه سال خدمت می‌توانست هر کسی را خسته کند و از توان بیندازد. با همه این توصیف‌ها، عیسی مسیح در دعا کردن سرآمد بود.

بسیاری گفته‌اند که اگر انجیل مرقس را درست و دقیق بخوانیم، فقط پس از خواندن چند صفحه، به قول معروف، از شدت خستگی از پا می‌افتیم! ترتیب انجیل مرقس به گونه‌ای است که تصویرهای فوری و پرشتاب از مسیح را به ما نشان می‌دهد که او تکاپو می‌کند اراده پدرش را به انجام برساند. چندین بار در فصل اول، در اشاره به فعالیت‌های مختلف، واژه «بی‌درنگ» به کار می‌رود: چون از آب برآمد (آیه ۱۰)؛ بی‌درنگ، روح وی را به بیابان می‌برد (آیه ۱۲)؛ در حال، یوحنا و یعقوب را می‌خواند (آیه ۲۰)؛ بی‌تأمل، در روز سبت به کنیسه درآمده، به تعلیم دادن شروع کرد (آیه ۲۱)؛ از کنیسه بیرون آمده، فوراً با یعقوب و یوحنا به خانه شمعون و آندریاس درآمدند (آیه ۲۹)؛ در ساعت، وی را از بیماری مادرزن پطرس خبر دادند و او آن زن را شفا داد (آیات ۳۰-۳۱). پس از آن، در همان روز، مرقس می‌گوید: «شامگاه، چون آفتاب به مغرب شد، جمیع مریضان و دیوزدگان را پیش او آوردند و تمام شهر بر در خانه ازدحام نمودند و بسا کسانی را که به انواع امراض مبتلا بودند شفا داد و دیوهای بسیاری بیرون کرده، نگذارد که دیوها حرف زنند، زیرا که او را شناختند» (آیات ۳۲-۳۴).

مسیح کل روز را به انجام اراده پدرش و رسیدگی به نیازهای قومش مشغول است. ما حتی نمی‌دانیم او اصلاً می‌تواند زمانی را برای خوابیدن پیدا کند یا نه، ولی این را می‌دانیم که «بامدادان، قبل از صبح، برخاسته، بیرون رفت و به ویرانه‌ای رسیده، در آنجا به دعا مشغول شد» (آیه ۳۵). بسیار مهم است توجه نماییم که نباید این آیات را سند و مبنا قرار دهیم که باید از خوابیدن و استراحت کردن پرهیز کنیم. مقصود آیات نامبرده فقط این است که نشان دهند عیسی مسیح ضرورت مطلق و مسلم دعا کردن را تأیید می‌نماید.

انجیل لوقا و اشاره‌های فراوان این انجیل به دعا نمودن عیسی مسیح سرسپردگی او را در دعا نشان می‌دهد. عیسی مسیح هنگام تعمید یافتن دعا می‌کند (لوقا ۳: ۲۱). او «روانه شده، به مکانی ویران رفت [تا دعا کند] و گروهی کثیر در جستجوی او آمده» (۴۲: ۴). در هنگامه شلوغی خدمت روحانی، عیسی مسیح اغلب «به ویرانه‌ها عزلت جست، به عبادت مشغول می‌شد» (۱۵: ۵-۱۶). پیش از انتخاب شاگردانش، «بر فراز کوه برآمد تا عبادت کند و آن شب را در عبادت خدا به صبح آورد» (۱۲: ۶). «او به تنهایی دعا می‌کرد»، پیش از آنکه درباره مرگ خودش به شاگردانش خبر دهد (۱۸: ۹-۲۲).

در خاطر نشان کردن این حقیقت، که دعا کردن عادت همیشگی عیسی مسیح بود، لوقا اوج آن را زمانی به ما نشان می‌دهد که می‌گوید: «و هنگامی که او در موضعی دعا می‌کرد، چون فارغ شد، یکی از شاگردانش به وی گفت: خداوندا، دعا کردن را به ما تعلیم نما» (لوقا ۱۱:۱). این لحظه را تصور کنید! در هیچ آیه‌ای از انجیل‌ها ثبت نشده که شاگردان از عیسی مسیح بخواهند راه رفتن روی آب را به آنها تعلیم دهد یا شفای بیماران و زنده کردن مردگان یا حتی وعظ نمودن را به آنها یاد بدهد، ولی یک چیز را از او می‌خواهند: «دعا کردن را به ما تعلیم بده!» آیا این می‌تواند بدین معنا باشد که چشمگیرترین و مبهوت‌کننده‌ترین اتفاق درباره عیسی مسیح عادت دعا نمودن او بود؟ ارتباط و مشارکت او با خدا چنان بی‌همتا است که شاگردان هرگز نظیرش را در هیچ انسانی ندیده بودند و دلشان می‌خواست بدانند چگونه می‌توانند مانند عیسی مسیح دعا کنند!

البته که ما باید جويا و طالب آن باشیم تا هر جنبه از شخصیت و خدمت روحانی‌مان را شبیه شخصیت و خدمت مسیح بگردانیم. اما، در این تکاپو برای شبیه شدن به شخصیت و خدمت عیسی مسیح، مبدا تلاش برای هم‌راستا شدن با راه و رسم و عادت دعا نمودن او را نادیده بگیریم. «که در وی، از جهت جسم، تمامی پُری الوهیت ساکن است» (کولسیان ۲:۹). با این حال، عیسی مسیح به معنای واقعی کاملاً انسان می‌باشد و در کالبد انسان او سرمشق ما است. در رساله اول تیموتائوس ۲:۵، پولس رسول پسر الهی خدا را انسانی که عیسی مسیح است معرفی می‌کند. در رساله اول قرنتیان ۱:۱۱، او می‌نویسد: «اقتدا به من نمایید، چنان که من نیز به مسیح می‌کنم.» عیسی مسیح از طریق روح القدس، در دعا، از پدر هدایت و قوت می‌گیرد. چقدر بیشتر، ما باید این نیاز را در مورد خودمان تشخیص بدهیم و خودمان را وقف دعا نماییم!

آموختن از مسیح

در خصوص راه و رسم دعا و محتوای دعا، به قول معروف ما یا از این سوی بام می‌افتیم یا از آن سوی بام. از یک طرف، عده‌ای بنا بر آنچه در نظرشان پسند می‌آید و با تکیه به احساساتشان و با گوش سپردن به نجوای قلبشان تعلیم کتاب مقدس و دعا کردن را نادیده می‌گیرند یا به آن بی‌توجهی می‌کنند. این دسته، با اینکه مدعی

هستند کتاب مقدس راهنمای آنها است، معمولاً دعایشان با اراده روح القدس، که در کتاب مقدس مکشوف است، متضاد می‌باشد. از سوی دیگر، بام، اشخاص دیگری می‌افتند که فخر می‌فروشند و به خودشان می‌بالند که قدم به قدم در راستای کتاب مقدس پیش می‌روند، چرا که ادعا می‌کنند دعاهایشان کاملاً بر مبنای کتاب مقدس است، به این معنا که با تکیه به آیات کلام خدا دعا می‌کنند و در دعا وعده‌های خدا را به خدا بیان می‌کنند. هرچند دعا کردن به این شکل تا اندازه‌ای می‌تواند بناکننده باشد، کتاب مقدس ما را منع نمی‌کند که در لحظه و بدون آمادگی نیز دعا کنیم، به شرطی که دعای در لحظه بر مبنای کتاب مقدس باشد. اگر ما همه‌گونه دعا کردن را حذف کنیم و دعا کردن را فقط به خواندن کتاب مقدس و اعلام وعده‌های خدا محدود سازیم، پس باید به هنگام موعظه کردن نیز تفسیر و توضیح کتاب مقدس را از قلم بیندازیم و فقط به روخوانی متن کتاب مقدس در جمع اعضای کلیسا بسنده نماییم.

در نقطه مقابل افراط‌ها و تفریط‌هایی که به آنها اشاره شد، در سراسر تاریخ کلیسا، مقدسان سرسپرده به کتاب مقدس با مطالعه کتاب مقدس ذهن خودشان را تازه کردند و فکر مسیح را در خود پرورش دادند. ما نیز برای آنکه دنباله‌رو و پیرو نظم و انضباط روزانه این مقدسان باشیم، باید رأی و اراده کامل خدا را در کتاب مقدس مطالعه کنیم، باید شناخت خود را از شخصیت خدا و کارهای خدا بیشتر نماییم، باید درک و بینش خود را از اینکه ما، در مسیح، در پیشگاه خدا کیستیم افزایش دهیم، باید در تشخیص اراده خدا و وعده‌های خدا، که در کتاب مقدس مکشوف می‌باشند، به بلوغ برسیم. علاوه بر این، باید خودمان را سرسپرده و دل‌سپرده مطالعه و کندوکاو درباره آموزه دعا نماییم و در مورد دعا بر مبنای کتاب مقدس تا آنجا پیش برویم که ما هم «در این امور تأمل نماییم و در اینها راسخ باشیم تا ترقی ما [در دعا بر مبنای کتاب مقدس] بر همه ظاهر شود» (اول تیموتائوس ۴: ۱۵).

کتاب مقدس سرشار از نمونه‌های دعای ایمانداران است که می‌توانیم بسیار از آنها بیاموزیم. اما در کتاب مقدس یک دعا ثبت شده که سرآمد بقیه است. در انجیل لوقا ۱: ۱۱، شاگردان به عیسی مسیح می‌گویند: «دعا کردن را به ما تعلیم نما!» در پاسخ به آنها، عیسی مسیح به ایشان دعایی تعلیم می‌دهد که به «دعای خداوند» یا «دعای

رَبّانی» معروف است. هم صدا با موسی در اشاره به بوتهٔ مشتعل، ما نیز باید «اکنون بدان طرف شویم و این امر غریب را ببینم» (خروج ۳:۳).

مسیحیان شاخهٔ انجیلی، اغلب، ملاحظه‌کارند که دعای خداوند را نمونه و سرمشق دعا بر مبنای کتاب مقدس قرار دهند. دلیلش سوءاستفاده و سوءتعبیر از این دعا در مذهب کاتولیک است. با این حال، نمی‌توانیم عذر بیاوریم که چون یک نفر از موضوعی سوءاستفاده می‌کند، دیگر ما اصلاً از آن استفاده نخواهیم کرد. چقدر زیبا و شگفت است که وقتی یکبار در کتاب مقدس شاگردان از عیسی مسیح درخواست می‌کنند دعا کردن را به آنها یاد بدهد، او ایشان را به «دعای خداوند» هدایت می‌کند و می‌فرماید:

«پس شما به این‌طور دعا کنید:

ای پدر ما که در آسمانی،

نام تو مقدس باد.

ملکوت تو بیاید.

ارادهٔ تو، چنان که در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود.

نان کفاف ما را امروز به ما بده

و قرض‌های ما را ببخش،

چنان که ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم،

و ما را در آزمایش میاور،

بلکه از شریر ما را رهایی ده.

زیرا ملکوت و قوت و جلال

تا ابد الابد از آن تو است، آمین.» (متی ۹:۶-۱۳).

نخستین گوهری که در این دعا پیدا می‌کنیم روحیه و طرز برخورد درست و مناسب است، یعنی میان صمیمیت و نگه داشتن حرمت و احترام تعادل و توازن وجود دارد. بله، خدا پدر مهربان و بامحبت ما است که با ما آشتی نموده و اکنون می‌توانیم بدون ترس و واهمه و محکومیت با او گفتگو کنیم. با این حال، همواره باید به یاد داشته باشیم که پدر آسمانی ما پادشاه آسمان است، خداوند همگان است، و شایسته است که نهایت حرمت و احترام را تقدیم او نماییم. بسیاری از معلمان کتاب مقدس بسیار درست و بجا خدا را «آبا، ای پدر» می‌خوانند. پولس ایمانداران روم

را چنین تشویق می‌کند: «از آن رو که روح بندگی را نیافته‌اید تا باز ترسان شوید، بلکه روح پسرخواندگی را یافته‌اید که به آن آبا، یعنی ای پدر، ندا می‌کنیم» (رومیان ۸: ۱۵). او به کلیسای غلاطیه می‌نویسد: «اما، چون که پسر هستید، خدا روح پسر خود را در دل‌های شما فرستاد که ندا می‌کند یا آبا، یعنی ای پدر» (غلاطیان ۴: ۶). بی‌شک، این آیات ما را تشویق می‌کنند و به ما یقین می‌بخشند که با خدا رابطه صمیمی و پدر و فرزندی داریم. معمولاً، با این تعلیم آشنا هستیم که واژه «آبا» در زبان آرامیک معادل واژه «بابا» می‌باشد. اما لازم است بدانیم که چنین تعلیمی بی‌پایه و بی‌اساس و زیان‌بخش است. ما باید این را درک کنیم که درست است در فرهنگ خاورمیانه قرن اول میلادی واژه «آبا» به صراحت حاکی از محبت و مهربانی و صمیمیت بود، ولی این واقعیت را هم نباید نادیده بگیریم که رابطه پدر و فرزند در بافت آن فرهنگ یک رابطه سرشار از شرم و حیا و حرمت و احترام فراوان بود. در نتیجه، در خصوص رابطه ما با خدا، واژه «بابا» واژه‌ای ناکفایت است، چرا که خالی از حرمت و احترام آمیخته با ترسی است که شایسته آن یکتا قدوس اسرائیل می‌باشد که می‌فرماید: «از آنانی که به من نزدیک آیند تقدیس کرده خواهم شد و در نظر تمامی قوم جلال خواهم یافت» (لاویان ۱۰: ۳).

دومین گوهر موجود در دعای خداوند همچون الماسی چندوجهی است. در این بخش، سه درخواست و تقاضای در هم تنیده وجود دارد. این تقاضاها باید خواسته و اشتیاق حاکم بردل ما و گل سرسبد همه دعاهای ما باشند. این دعا باید دعای تک‌تک ایمانداران، جمع کلیسا، و کل بشر باشد. در نخستین تقاضا، «نام تو مقدس باد،» ما دعا می‌کنیم که نام خدا مجزا و بی‌همتا باشد، نام خدا سرآمد و بالاتر از همه نام‌ها باشد، و خدا بی‌ظن و بی‌همتا حرمت نهاده شود. ما برای خودمان و برای کلیسا از خدا تقاضا می‌کنیم بیش از پیش او را ارج بنهیم و بیش از پیش سرسپرده خدا باشیم. تمنای ما از خدا این است که خدا در دل‌مان جایگاه مخصوص و منحصر داشته باشد. ما دعا می‌کنیم خدا در دل‌مان عزیزترین باشد و محبت و وفاداری به هیچ‌کس دیگری توان رقابت با محبت و وفاداری ما به خدا را نداشته باشد. دعای ما برای دنیای بی‌ایمان این است که انجیل چنان در گوشه و کنار جهان گسترش یابد که کوری روحانی را از امت‌ها و ملت‌ها دور کند و به آنها بینایی روحانی و دل تازه ببخشد تا آنها نیز شخصیت و اراده خدا را بالاتر از هر چیز و هر کسی دیگر ارج بنهند.

در دومین تقاضا، «ملکوت تو بیاید»، از خدا تقاضا می‌کنیم حاکمیت مقتدرانه و برحق او در زندگی تک‌تک ما و در جمع کلیسا برقرار باشد و ما روزافزون همه وجودمان را تقدیم خدا نماییم و با همه دل و جان و فکر و توانمان تسلیم و سرسپرده خدا باشیم تا خدا در هر لحظه و در هر جنبه و در همه جزئیات زندگی مان شاه شاهان باشد. برای دنیای بی‌ایمان نیز دعای ما این است که مردم از جنگ با خدا دست بردارند و به این درک برسند که این حق مسلم خدا است که بر هر شخص و هر نهاد و هر تلاش و تکاپویی که در هر کجا صورت می‌گیرد حاکم و پادشاه باشد و بر هر جنبه از فعالیت‌های جامعه و بردولت و فرهنگ و هنر و علم و همه چیز او خداوند و صاحب اختیار باشد و با حق مسلم و مقتدرانه اش سلطنت و فرمانروایی کند.

در سومین تقاضا، «اراده تو، چنان که در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود»، تمنای ما از خدا این است که تسلیم و سرسپردگی باطنی ما به خداوندی او در اطاعت و خدمت پویای ما جلوه‌گر شود و آشکار و نمایان بازتاب داشته باشد. تقاضای ما از خدا این است که زندگی ما در حضور او در این کره خاکی همان زندگی باشد که یک روز در آسمان در حضورش خواهیم داشت. برای دنیای بی‌ایمان نیز دعایمان این است که انجیل چنان گسترش یابد و چنان در هر گوشه و کنار جهان بشارت داده شود که «هرامت و قبیله و قوم و زبان» با خدا آشتی کنند و با رغبت و رضایت و شادمانی تسلیم و مطیع شاه شاهان و خداوند خداوندان شوند (مکاشفه ۹:۷).

این سه تقاضا اشتیاق دل‌عیسی مسیح را نشان می‌دهند. از این‌رو، این سه تقاضا باید اشتیاق زندگی ما و گل‌سرسبده همه دعاهای ما باشند. ما، قوم خدا، یک دغدغه عظیم داریم و بس: اینکه نام خدا مقدس باد، اینکه ملکوت او بیاید، اینکه اراده او در ما و در کلیسا و در سراسر این کره خاکی انجام شود. هر شوق و اشتیاق و نیاز دیگر، هر قدر هم که مهم و معتبر باشد، در مقایسه با این دغدغه اصلی در درجه دوم قرار می‌گیرد. حتی تقاضاهایی را که در ادامه این سه تقاضا در دعای خداوند بیان می‌شوند باید در بافت و زمینه این یگانه دغدغه اصلی درک نماییم و به آنها بیندیشیم. تقاضای ما برای تأمین نیازهای روزانه، برای قدرت یافتن بروسوسه، و برای اتحاد در کلیسا همه به این منظورند که ما با تمرکز و کارایی بیشتری برای حرمت نام خدا و پیشرفت ملکوت خدا و انجام اراده خدا زحمت بکشیم. ما می‌توانیم خاطر جمع باشیم که خدا چنین دعایی را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت!

در کنار دعای خداوند، دعا‌های تقریباً بی‌شماری دربارهٔ تقدیس شدن و روشن‌گری برای درک کتاب مقدس و راهنمایی و قدرت یافتن برای زندگی مسیحی در کتاب مقدس بیان شده‌اند. حتی برای بررسی ده نمونه از این دعاها لازم است چندین جلد کتاب بنویسیم! اما این دعاها در کتاب مقدس منتظر شما هستند تا بروید و آنها را پیدا کنید. تنها کاری که لازم است انجام دهید این است که راغب و مایل باشید تا کتاب مقدس را جدی و کوشا مطالعه و کندوکاو نمایید.

دعا در خلوت، دعا در جمع

دعا در خلوت و دعا در جمع دو جنبه بسیار مهم در دعا کردن می‌باشند که در رشد و بلوغ روحانی ایمانداران نقش حیاتی دارند. نخستین دعای در خلوت یا دعا در نهان است. این دعا شامل پرستش و شکرگزاری و مشارکت با خدا و بیان تقاضاها بر مبنای کتاب مقدس می‌باشد. هنگام خواندن و مطالعهٔ کتاب مقدس، دعای در خلوت امری بسیار مهم و اساسی می‌باشد، چون ما برای مطالعهٔ کتاب مقدس، پیوسته و بی‌وقفه، نیازمند یاری روح القدس هستیم. این روح خدا است که به ما روشن‌گری می‌بخشد کتاب مقدس را درک کنیم (اول قرنیتان ۱۲:۲؛ اول یوحنا ۲:۲۰، ۲۷؛ افسسیان ۱:۱۵-۱۹). این روح خدا است که به ما قوت می‌بخشد از کلام خدا اطاعت کنیم (افسسیان ۳:۱۴-۱۶؛ کولسیان ۱:۲۹). دعای در خلوت و رابطه و مشارکت خصوصی با خدا ما را حفظ می‌کند در مقابل ایمانی که فقط به ذهن و فکر و دانش ما از کتاب مقدس و یا تحصیلات الهیاتی محدود است، ولی ما را تبدیل و دگرگون نکرده و ایمانی فردی و کاربردی نیست. ما همواره باید به یاد داشته باشیم که مسیحیت راستین فراتر از حقیقت اصیل و معتبری است که در کتاب مقدس، که خطاناپذیر و عاری از خطا و الهام الهی است، مکشوف شده است. مسیحیت راستین رابطهٔ شخصی و پویا و دگرگون‌کننده با خدایی است که در کتاب مقدس مکشوف می‌باشد.

دعای خصوصی و در خلوت باید با دعای عمومی یا دعای جمعی در کلیسا همراه باشد. در اشاره به معبد اورشلیم، عیسی مسیح می‌فرماید: «مکتوب است که خانهٔ من خانهٔ دعا نامیده می‌شود» (لوقا ۱۹:۴۶؛ اشعیا ۵۶:۷). این نقل قول از کتاب اشعیا چقدر بیشتر باید در مورد معبد روحانی عیسی مسیح، یعنی کلیسا، کاربرد داشته باشد (اول قرنیتان ۳:۱۶-۱۷؛ ۱۹:۶؛ دوم قرنیتان ۶:۱۶؛ افسسیان ۲:۲۱). ما از

کتاب اعمال رسولان می‌آموزیم که کلیسای اولیه وقف و سرسپردهٔ دعای جمعی بود. لوقا می‌نویسد: «و در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می‌نمودند» (اعمال رسولان ۲: ۴۲).

امروز، در بسیاری از کلیساها، دعای جمعی نیز به همان درد مشترک نادیده گرفتن خواندن کتاب مقدس در جمع مبتلا است. وقتی هم که به قصد دعا کردن دور هم جمع می‌شوند، بیشتر وقتشان به گپ و گفتگو و حتی غیبت سپری می‌شود و چند دقیقه را به یک دعای کلی و عمومی اختصاص می‌دهند. در این جلسات دعا، معمولاً همهٔ دعاها بر نیازهای جسمانی و فیزیکی متمرکز است، در حالی که بزرگ‌ترین نیازهای ملکوت خدا را که در دعای خداوند مشهود است، به کل، نادیده می‌گیرند.

برای اینکه دعای جمعی یا دعای عمومی در کلیساهای محلی به جایگاه درست و شایستهٔ خویش بازگردد، رهبران و مشایخ کلیسا باید سکان رهبری این جلسات دعا را به دست بگیرند. رهبران و مشایخ کلیسا علاوه بر اینکه باید وقت مشخصی را به جلسات دعا اختصاص بدهند و اهمیت دعا را به اعضای کلیسا گوشزد کنند، همچنین باید کلیسا را تعلیم دهند که چگونه بر مبنای کتاب مقدس دعا کنند و همراه و روش و روحیه و خُلق و خوی اشتباه و نادرست و خلاف کتاب مقدس را که اعضای کلیسا در جلسات دعای جمعی پیش گرفته‌اند اصلاح نمایند. باید به این نکته توجه داشت که اصلاح جلسات دعای عمومی و بازگرداندن آن به جایگاه درست تقریباً محال خواهد بود اگر که رهبران کلیسا (به ویژه در دنیای غرب) جلسات دعا را به چشم مراسمی نگاه کنند که قرار است در آن به هوس‌های نفسانی جمعی از غیرایمانداران رسیدگی شود و بهانه‌ای باشد برای سرگرم کردن کسانی که در ایمانشان از رشد و بلوغ روحانی خبری نیست. باشد که خدا رهبران و مشایخی را به خدمت بخواند که مانند رسولان عیسی مسیح در قرن اول میلادی با اعتقاد راسخ اعلام کنند: «اما ما خود را به عبادت و خدمت کلام خواهیم سپرد» (اعمال رسولان ۶: ۴) و کلیسا را نیز به انجام این مهم هدایت نمایند.

پرسش‌هایی جهت تفکر و تأمل:

۱. دربارهٔ این جمله توضیح دهید: «من هرگز ایمان‌داری را نمی‌شناسم که وقتی در بستر مرگ خوابیده است زانوی غم بغل بگیرد و از این به سوگ بنشیند که چرا همهٔ عمرش را وقف مطالعهٔ کلام خدا و دعا نموده است.» چگونه این جمله در زندگی شما کاربرد دارد؟
۲. به دو دلیل اصلی، دعا کردن دشوار است. آن دو دلیل کدامند؟
۳. چگونه عیسی مسیح در زندگی زمینی‌اش ثابت نمود که مرد دعا است؟ ما چگونه باید از او سرمشق بگیریم؟
۴. وقتی می‌آموزیم چگونه بر مبنای کتاب مقدس دعا کنیم، معمولاً یا از این سوی بام می‌افتیم یا از آن سوی بام. این دو سوی بام کدامند؟ در سراسر تاریخ کلیسا، چگونه مقدسانی که به کتاب مقدس سرسپرده و امین بودند دعا کردن را آموختند؟
۵. چرا برای درک دعا نمودن بر اساس کتاب مقدس باید دعای خداوند را عامل بسیار مهم و حیاتی بدانیم؟
۶. مفهوم و اهمیت هریک از عبارات‌های دعای خداوند را مختصر توضیح دهید.
۷. دعای فردی یا در خلوت و اهمیت آن را توضیح دهید.
۸. دعای عمومی و جمعی در کلیسای اولیه چه جایگاهی داشت؟ امروز برای بازیابی این رسم در کلیسا باید چکار کرد؟

توبه و اعتراف

پدران و پیشینیان ما، که در ایمان پیشکسوت بودند، به ندرت توبه و اعتراف را که از طریق‌های فیض به حساب می‌آیند از هم جدا می‌کردند، چرا که توبه و اعتراف، هر دو، از سازه‌های اساسی و حیاتی دعا می‌باشند. به بیان دیگر، هرگاه، در اشاره به طریق‌های فیض، سخن از دعا به میان می‌آید، طبیعی است که از توبه و اعتراف نیز نام برده شود. با این حال، نظر به اینکه در کلیسای این دوره و زمانه در خصوص توبه و اعتراف سوء برداشت‌ها و غفلت‌های فراوانی به چشم می‌آید، لازم می‌دانم جداگانه دربارهٔ این دو طریق فیض توضیح بدهم.

در فرهنگ امروز و در بسیاری از کلیساهای شاخهٔ انجیلی، اغلب دربارهٔ توبه و اعتراف به گناه ساز مخالف می‌زنند و بنای مخالفت و ناسازگاری می‌گذارند و در واقع این دو امر را اتفاقی زشت و نامناسب به حساب می‌آورند. در این روزگار، روان‌شناسی به ما یاد می‌دهد به هر قیمتی از غرور و عزتِ نفسِ خود مراقب کنیم، حتی به این قیمت که اگر لازم باشد، باید واقعیت را انکار کنیم یا به وقت ضرورت به خودمان و به دیگران دروغ بگوییم. از این بدتر، بسیاری از واعظان شاخهٔ انجیلی گویا عزم خود را جزم کرده و کمر همت بسته‌اند تا هر کاری از دستشان برمی‌آید انجام دهند که مبادا نور کتاب مقدس گناهان و خطایای ما را برملا کند و آرامش و آسایش ما را بر هم بزند. از قرار معلوم، ما قاطع و محکم زیر پرچم این شعار سینه می‌زنیم که: «بله، انسان مهم است. وجود انسان با ارزش است. ما باید خودمان را قبول داشته باشیم. ما باید احساس ارزشمند بودن را در خودمان تقویت بکنیم. ما باید به خودمان عشق

بورزیم.» جانِ کلام این است که این روزها شعارها و بیانیه‌هایی صادر می‌شود که دقیقاً خلاف آنها در ذات و وجود انسان ثابت شده است. در نتیجه، عذاب وجدان و احساس تقصیر گریبانگیرمان است، به خاطر دوری از خدا و حس غریبگی با خدا آرامش از وجودمان رخت بسته، و ظرف و پیروزی در کام شکست و ناکامی تقریباً دایم و همیشگی بلعیده شده است.

اما چاره این مرضی که پیوسته به جان ایمانداران افتاده چیست؟ همچون همیشه، دارویی که نیازمندش هستیم دقیقاً همان دارویی است که اغلب تمایلی به آن نداریم و چه بسا از آن دوری می‌کنیم: توبه و اعتراف! در نظر دنیای نفسانی و ناآگاه، توبه و اعتراف اقدامی است خوار و دون پایه و ویرانگر. از چشم کتاب مقدس اما توبه و اعتراف هدیه خدا می‌باشند، طریق‌های فیض می‌باشند که به بازیابی و آرامش و شادی ختم می‌شوند.

اگر قرار است با یقین و شادی و اطمینانی که خواست عیسی مسیح است با او گام برداریم، باید از جهان بینی دنیا روی گردانیم و پذیرای درمانی شویم که فقط در کتاب مقدس پیدا می‌شود. دیدگاه دنیا و کلام خدا را، که متضاد و مخالف با هم هستند، نمی‌توان با هم ترکیب کرد و نسخه آن را به دست بیمار داد که همانا نتیجه‌ای جز آسیب به بیمار نخواهد داشت. ما باید دست رد بزنیم به سینه راه‌های درمانی که دنیا پیشنهاد می‌دهد، چرا که درمان‌های دنیا تنها کاری که می‌کنند این است که روی زخم عفونت کرده گناه را می‌پوشانند. ما باید به درمان کلام خدا گوش فرا دهیم که به ما می‌گوید دَلْمَةُ زخم را کنار بزنیم و زخم را تمیز و پاکیزه نماییم.

توبه

در عهد جدید، واژه «توبه» معمولاً ترجمه فعلی است که در زبان یونانی *metanoeo* «متانواتو» می‌باشد که از ترکیب فعل *noeo* «نواتو» (آگاه شدن یا درک کردن) و حرف اضافه *meta* «متا» ساخته شده است که به معنای «تغییر» می‌باشد. بنابراین، توبه مستلزم تغییری بنیادین در ادراک و دیدگاه شخص است. در کتاب مقدس، این تغییر در طرز فکر هیچ‌گاه فقط به آنچه در ذهن ما می‌گذرد محدود نیست، بلکه همزمان باید در احساسات و اراده ما نیز تأثیری اساسی و بنیادین به جای بگذارد.

برای درک بهتر مقوله توبه لازم است بدانیم که واژه توبه در زبان عبری فعلی به نام «ناخام» می باشد که از اصطلاحی به معنای «نفس عمیق» ریشه گرفته است و در اصل حاکی از ابراز احساسات می باشد، از جمله ابراز غم و اندوه، ابراز تأسف و افسوس، ابراز ندامت و پشیمانی.^۱ از این رو، توبه در کتاب مقدس فقط به معنای تغییر عقیده درباره گناه نیست، بلکه غم و اندوه عمیق برای گناه نیز می باشد.

وقتی واقعاً و از صمیم قلب بفهمیم و درک کنیم که گناهکار و تقصیرداریم، وجودمان به معنی واقعی از غم و اندوه و شرم و خجالت و حتی بیزاری و چشندش از گناهانمان و از نفسمان لبریز خواهد شد. به سبب گناهان قوم اسرائیل، عزرائیل کاتب اعلام می کند که «خجالت دارم و از بلند کردن روی خود به سوی توای خدایم شرم دارم» (عزرا ۹: ۵-۶). ارمیای نبی بانگ برمی آورد: «در خجالت خود می خوابیم و رسوایی ما را می پوشاند، زیرا که ما به یهوه خدای خویش گناه ورزیدیم» (ارمیا ۳: ۲۵). حزقیال نبی دلیرانه اعلام می کند که وقتی اسرائیل نامطیع، سرانجام، به ماهیت گناه زشت خود به خداوند پی می برد، از همه اعمال قبیح که کرده است خویشتن را به نظر خود مکروه خواهد داشت (حزقیال ۲۰: ۴۳). پولس رسول در نامه به ایمانداران روم خاطر نشان می سازد آنها هنوز از کارهایی که پیش از نجاتشان انجام دادند شرم منده بودند (رومیان ۶: ۲۱). چنین گفتار و طرز فکری در دنیای امروز و حتی در جمع مسیحیان شاخه انجیلی، که شیفته روان شناسی و خودباوری و عزت نفس هستند، جایی ندارد. حال آنکه، غم و اندوه و شرم و خجالت و بیزاری از خویشتن حقایقی می باشند که در کتاب مقدس جای دارند و در هر دو عهد، عهدعتیق و عهدجدید، از عوامل مهم و حیاتی در توبه اصیل و راستین به حساب می آیند.

برای درک آموزه توبه، باید آن را از دو چشم انداز نگاه کنیم: توبه ای که به نجات ختم می شود، و توبه مداوم و پیوسته و همیشگی که بخشی از روند تقدیس شدن است و تا آخر عمر ادامه خواهد داشت. در لحظه نجاتمان، روح القدس دل ما را تولد تازه می بخشد، ذهن ما را روشن می کند، و با مکاشفه حقیقت الهی گناهان و خطایای ما را برملا می سازد. در نتیجه این اقدام الهی، ذهن ما و طرز فکر ما عوض می شود و جهان بینی و دیدگاه ما از اساس و بنیان دگرگون و زیر و رو می گردد. به طور خاص،

۱. فهرست منابع:

Theological Workbook of the Old Testament, R. Laird Harris, Gleason L. Archer, Jr.,
Bruce K. Waltke (Chicago: Moody, 1980), 2:570.

دیدگاه ما به خدا و به خودمان و به گناه و به راه نجات و رستگاری، از اساس و بنیان، دگرگون و زیر و رو می‌شود. ما از بی‌ایمانی و خودمختاری روی می‌گردانیم و به ایمان و تسلیم شدن به اراده‌ی خدا روی می‌آوریم. پس از آنکه ایمان می‌آوریم، روح‌القدس با مکشوف نمودن پیوسته‌ی حقیقت الهی به ما همچنان ما را به توبه کردن ملزم می‌سازد تا شخصیت خدا را بیش از پیش روشن‌تر و شفاف‌تر ببینیم و در این نور روزافزون به خودآگاهی بیشتری برسیم. در این نور است که گناهان ما برملا می‌شوند و به توبه و اعتراف لب می‌گشاییم. این همان مسیری است که الهیدان‌ها و واعظان قدیمی آن را «راه جلجتا» می‌نامند که تنها راه آزادی و شادی است! کتابی به همین نام «راه جلجتا» به قلم رُی هِشِن موجود می‌باشد که اثری عالی و بی‌نظیر است در خصوص توبه بر مبنای کتاب مقدس، که همراهش حیات و شادی و تقدیس بیشتر می‌باشد.

برای اینکه درک نماییم که چگونه توبه و اعتراف همراهش حیات خواهد بود، ابتدا، باید درک کنیم هرگونه گناهی که تصورش را بکنید برای زندگی روحانی و ایمان شما یک ناخوشی مرگبار و بیماری‌گشونده به حساب می‌آید. گناه با هرچه تماس داشته باشد آن را آلوده می‌کند، آن را برده‌ی خودش می‌کند، آن را بدبخت و بیچاره می‌کند، و سرانجام جان‌ش را می‌گیرد و نابودش می‌کند. آیاتی که گواه این حقایق یادشده درباره‌ی گناه هستند بدین قرارند: «جمیع ما مثل شخص نجس شده‌ایم و همه‌ی اعمال عادلّه ما مانند لثّه ملوّث می‌باشد» (اشعیا ۶:۶۴) «زمین را به زنا و بدرفتاری خود ملوّث ساختی» (ارمیا ۲:۳). گناه آدمیان را برده‌ی خودش می‌کند: «عیسی در جواب ایشان گفت: آمین آمین به شما می‌گویم هر که گناه می‌کند غلام گناه است» (یوحنا ۸:۳۴) «آیا نمی‌دانید که اگر خویشتان را به بندگی کسی تسلیم کرده او را اطاعت نمایید، شما آن کسی را که او را اطاعت می‌کنید بنده هستید، خواه گناه را برای مرگ، خواه اطاعت را برای عدالت» (رومیان ۶:۱۷) «پس شهوت آبستن شده، گناه را می‌زاید و گناه به انجام رسیده، موت را تولید می‌کند» (یعقوب ۱:۱۵). از همه بدتر، گناه سد راه مشارکت ایمانداران با خدا و مانع از مفید بودن آنها برای خدا می‌شود. هرچند این سخن حقیقت است و لایق پذیرش کامل که هیچ چیز نمی‌تواند ایماندار را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است جدا سازد (رومیان ۸:۳۹)، این هم درست است که گناه می‌تواند مانع مشارکت روزانه‌ی ایماندار با خدا شود. مزمن‌نویس بانگ برمی‌آورد: «اگر بدی را در دل خود منظور می‌داشتم، خداوند مرا نمی‌شنید» (مزمو ۶۶:۱۸). اشعیا

نبی با شهامت به قوم اسرائیل سرکش و خودسراعلام می‌کند: «هان، دست خداوند کوتاه نیست تا نرھاند و گوش او سنگین نیست تا نشنود. لیکن خطایای شما در میان شما و خدای شما حایل شده است و گناھان شما روی او را از شما پوشانیده است تا نشنود» (اشعیا ۵۹: ۱-۲).

دیدگاه سطحی و شتاب‌زده به تأثیر مرگبار و نجس‌کننده گناه در زندگی ایمانداران و اثر آن در مشارکت ما با خدا باید به ما انگیزه دهد تا بی‌درنگ در پی راه چاره‌ای درخور و شایسته باشیم. این مهم باید ما را برانگیزد تا آن درمان و راه چاره را در سراسر زندگی مان بارها و بارها و بارها به کار ببریم. این درمان و این راه چاره همانا توبه می‌باشد. این درمان و این راه چاره زمانی تأثیرگذار است که ما ذهن و فکرمان را از کتاب مقدس لبریز کنیم، با یک کلیسای محلی، که تعالیمش بر مبنای کتاب مقدس است، مشارکت داشته باشیم، و هرگاه گناھی در وجودمان برملا می‌شود، بنیاد آن را از ریشه براندازیم.

اولین نکته این است که وقتی زندگی مان از کلام خدا لبریز باشد، تأثیرش این خواهد بود که به گناھانمان حساس می‌شویم و توبه کردن را از نان شب واجب‌تر می‌دانیم. به گفته داوود، رابطه نزدیکی وجود دارد میان سرشار بودن دل ما از کلام خدا و توانایی ما برای گریختن از گناه (۱۱: ۱۱۹). ما باید بپذیریم و تصدیق کنیم که کلام خدا بی‌چون و چرا واجب و ضروری است برای اینکه ایمانداران را بیش از پیش به گناه حساس نماید. این درست است که ملزم شدن به گناه کار روح القدس است (یوحنا ۸: ۱۶)، ولی شمشیر یا چاقوی جراحی که روح القدس با آن دل را می‌شکافد کلام خدا می‌باشد. دوباره باید خاطرنشان کنیم که هرچه بیشتر با مطالعه کلام خدا چشم ما روشن‌تر می‌شود، خودمان را بیشتر در نور کلام خدا می‌نگریم. وقتی شناخت ما از کلام خدا بیشتر و بیشتر می‌شود، گناھان مخفی و پنهان آشکار و برملا می‌شوند و ما از چشم انداز خدا به گناه نگاه می‌کنیم. آن‌گاه، با شور و حرارتی پاک و مقدس، از گناه بیزار می‌شویم و بدون ذره‌ای سازش و مدارا به گناه پشت می‌کنیم. برملا کردن گناھان، که کار روح القدس است، معمولاً بسیار دردناک است و موجب اندوه و دل‌شکستگی است و به قول معروف دل‌مان را از حلقمان بیرون می‌آورد، حال آنکه راه درمانی جز این وجود ندارد. کسی که خبر ندارد سرطان به جان‌ش افتاده است، در بی‌خبری، خوش و خرم روزگار می‌گذراند، غافل از اینکه این جهالت مرگبار عاقبتی جواز دست دادن

جان ندارد. اما بیماری که از سرطان‌ش خبر دارد برای مدتی زانوی غم بغل می‌گیرد، ولی همان خبری که دلش را شکسته است، در نهایت، جان‌ش را نجات می‌دهد.

دومین نکته این است که وقتی با ایمانداران اصیل و راستین در یک کلیسای محلی مشارکت داریم، به گناهانمان و به نیازمان به توبه حساس می‌شویم. در این دوره و زمانه، این نسل حاضر معمولاً به این مهم بی‌توجه و بی‌اعتنا هستند و حتی آن را نادیده می‌گیرند. حال آنکه، مشارکت با ایمانداران در کلیسای محلی امری کاملاً ضروری و حیاتی می‌باشد. خدا مقرر نموده است که تک‌تک ایمانداران با تعلیم گرفتن از رهبران خداشناس و معلمان امین در کلیسا و مشارکت با سایر ایمانداران از لحاظ روحانی رشد کنند و به بلوغ برسند. عهد عتیق می‌فرماید: «آهن آهن را تیز می‌کند، همچنین مرد روی دوست خود را تیز می‌سازد» (امثال سلیمان ۱۷:۲۷). عهد جدید این حقیقت را صریح و روشن بیان می‌کند. پولس رسول خاطر نشان می‌سازد که یکی از تکلیف‌های اصلی خادمان مسیح این می‌باشد: «که به کلام موعظه کنی و در فرصت و غیر فرصت مواظب باشی و تنبیه و توبیخ و نصیحت نمایی، با کمال تحمل و تعلیم» (دوم تیموتائوس ۲:۴). این خدمت فقط مخصوص خادمان مسیح نیست، بلکه کل اعضای کلیسا چنین تکلیفی دارند. پولس به کلیسای کولسی می‌نویسد: «کلام مسیح در شما به دولتمندی و به کمال حکمت ساکن بشود و یکدیگر را تعلیم و نصیحت کنید به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی و با فیض در دل‌های خود خدا را بسرایید» (کولسیان ۳:۱۶). نویسنده رساله عبرانیان نیز با این حقیقت هم‌صدا می‌باشد: «و اعتراف امید را محکم نگاه داریم، زیرا که وعده‌دهنده امین است و ملاحظه یکدیگر را بنماییم تا به محبت و اعمال نیکوتر غیب نماییم و از با هم آمدن در جماعت غافل نشویم، چنان که بعضی را عادت است، بلکه یکدیگر را نصیحت کنیم و زیادتر به اندازه‌ای که می‌بینید که آن روز نزدیک می‌شود» (عبرانیان ۱۰:۲۳-۲۵). اگر به الهام بودن و عاری از خطا بودن و بسنده بودن کتاب مقدس محکم بچسبیم، حتی یک لحظه هم نمی‌توانیم خودمان را راضی کنیم که جدا از مشارکت دایم و همیشگی با کلیسای محلی، که کتاب مقدس را تعلیم می‌دهد، می‌توانیم زندگی سالمی در ایمان داشته باشیم یا به رشد و بلوغی برسیم که موجب خشنودی خدا خواهد بود. در کلیسا است که تشویق و دلگرم می‌گردیم خسته خاطر نشویم. در کلیسا است که یاد می‌گیریم در کدام مسیر باید قدم برداریم. در کلیسا است که اصلاح

می شویم زمانی که اشتباه می کنیم یا بیراهه می رویم. در کلیسا است که توبیخ می شویم هنگامی که سخت دل و گردنکش می شویم. اگر در کلیسای شما از این اصول خبری نیست، پس آن کلیسا کلیسایی نیست که در کتاب مقدس ریشه داشته باشد!

سومین نکته این است که وقتی روح القدس به وسیله کلام خدا گناه ما را برملا می کند، باید بی عذر و بی بهانه و بی درنگ، جدی و اساسی، با آن گناه برخورد و آن را ریشه کن کنیم. عیسی مسیح به شاگردانش می فرماید: «اگر چشم راستت تورا بلغزند، قلعش کن و از خود دور انداز، زیرا تورا بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد، از آنکه تمام بدنت در جهنم افکنده شود. و اگر دست راستت تورا بلغزند، قطعش کن و از خود دور انداز، زیرا تورا مفیدتر آن است که عضوی از اعضای تو نابود شود، از آنکه کل جسدت در دوزخ افکنده شود» (متی ۵: ۲۹-۳۰). البته در اینجا آرایه ادبی مبالغه یا بزرگ نمایی به کار رفته است (بزرگ نمایی یا مبالغه در کلام را نباید واژه به واژه معنا کرد. کاربرد آرایه ادبی مبالغه این است که بر اهمیت یک موضوع یا یک حقیقت تأکید کند). این آیات به درستی و بیجا بر این حقیقت تأکید می کنند که چگونه باید با گناهانمان در زمانی که بر ما آشکار می شوند برخورد نماییم: باید بی درنگ و بی عذر و بی بهانه و بی سازش و بی مدارا از آنها دست بکشیم. باید، فوری و بدون هدر دادن وقت، داوری بر گناهانمان را اعمال کنیم، کلام خدا را به جان گناهانمان بیندازیم، و آنها را با خفت و خواری و تحقیر فراوان از خودمان بیرون افکنیم.

اعتراف به گناه

(بخش هایی از توضیحات این قسمت برگرفته از کتاب «خواندگی انجیل و تبدیل واقعی» به قلم پل واشرمی باشد).

بی نهایت مهم است که درک کنیم توبه حقیقی فقط این نیست که در دلمان غم داشته باشیم و از گناه روی بتابیم. توبه حقیقی شامل اعتراف نیز می باشد، اعتراف به اینکه نظرو عقیده خدا درباره ما نظرو عقیده ای درست است و حکم خدا درباره ما حکم عادلانه و منصفانه است: ما گناه کرده ایم! به بیان دیگر، توبه ای که در کتاب مقدس ریشه دارد همواره شامل پذیرفتن و به گردن گرفتن کارهایی است که انجام داده ایم.

این حقیقت نقطهٔ مقابل فرهنگ این روزگار است. ما مردمی هستیم که در توجیه نمودن کردار و رفتارمان و در عذر و بهانه آوردن برای کردار و رفتارمان استاد و چیره‌دستیم! ما مردمی هستیم که هرگز مقصر و تقصیردار نیستیم، بلکه همیشه قربانی بدخواهی و بدجنسی قدرت معمولاً ناشناسی هستیم که از اختیار ما خارج است. ما استادیم در اینکه گناهانمان را گردن چیزی یا کسی جز خودمان بیندازیم. ما با افتخار سرخودمان را بالا می‌گیریم و انگشت اتهام را به سمت جامعه و نظام آموزش و پرورش و روش تربیت مادر و پدرمان می‌گیریم و شرایط را مقصر می‌دانیم و حاضر نمی‌شویم حتی ذره‌ای از تقصیر را خودمان به گردن بگیریم. ما از تصور اینکه خودمان مقصر هستیم پریشان‌خاطر و حتی خشمگین می‌شویم. اما، لحظه‌ای که تولد تازه می‌یابیم، این جهان بینی ما، که جهان بینی حاکم بر دنیا است، از اساس و بنیان در ما تغییر می‌کند. ما برای نخستین بار در زندگی انگشت مقصر بودن را سمت خودمان می‌گیریم و اشتباهات و گناهانمان را صادقانه گردن می‌گیریم. آن‌گاه، دهانمان بسته می‌شود و خودمان را به خدا پاسخگویی دانیم (رومیان ۳: ۱۹). سپس دیگر عذر و بهانه نمی‌آوریم و دنبال راه فرار نیستیم. فقط چشم به باران رحمت خدا می‌دوزیم که با رنج و عذاب عیسی مسیح، که بلاگردان ما شد، بر ما سرازیر گشت.

اینکه قبول بکنیم و بپذیریم گناهکاریم، این روحیه که مسوولیت اعمال و رفتارمان را کاملاً به عهده بگیریم، معمولاً با صداقت و روراستی در پیشگاه خدا و اعتراف به گناه از صمیم قلب همراه است. واژه «اعتراف» در زبان یونانی واژه‌ای مرکب به نام *homologeō* «هومولوگئو» می‌باشد که ترکیبی است از واژه *homos* «هوموس» به معنای «همان» و *logos* «لوگوس» به معنای «کلمه». منظور این است که کلامی را به زبان بیاوریم. اعتراف به این معنا است که با خدا هم‌کلام و هم‌عقیده و موافق باشیم که گناه کرده‌ایم و گناهانمان بسیار زشت و قبیح است. اعترافی چنین اصیل و صادقانه و از صمیم قلب با غم و اندوه و ماتم و دل‌شکستگی و حسرت و افسوس و دریغ و پشیمانی همراه خواهد بود. وقتی روح القدس به وسیلهٔ کلام خدا یا از زبان توبیخ‌آمیز یک دوست به ما هشدار می‌دهد که گناه کرده‌ایم، آن‌گاه، باید در اعترافمان به خدا اعلام کنیم که بله، این‌طور است، ما چنین گناهی مرتکب شدیم. برای نمونه، اگر کسی به ما بگوید که ما خودمحور و ناشکیبا و بی‌محبت هستیم، اعتراف ما چنین خواهد بود: «ای خداوند، هرآنچه دربارهٔ من می‌فرمایی درست است. من خودمحور و

ناشکیبا و بی محبت هستیم. به خاطر نام عظیمت و به خاطر کفارهٔ پسرت، خواهش می‌کنم مرا ببخش.»

به این سه سازهٔ مهم و حیاتی در اعترافی که در کتاب مقدس ریشه دارد توجه کنید. نخستین سازه این است که کسی که به گنااهش اعتراف می‌کند نمی‌گوید: «اگر گناه کرده‌ام.» او در مورد گناه به شکل کلی و عمومی صحبت نمی‌کند، بلکه به گناهان مشخصی که روح‌القدس بنا بر کلام خطاناپذیر خدا برای او مکشوف نموده است اعتراف می‌کند. توجه به این نکته مهم است که وقتی روح‌القدس ما را به گناهانمان ملزم می‌کند، این الزام همواره با آموزه‌های مکتوب در کلام خدا موافق و سازگار خواهد بود. دومین سازه این است که اعتراف ناب و واقعی عذر و بهانه نمی‌آورد و سعی نمی‌کند تقصیر را گردن دیگری بیندازد، بلکه مسوولیت کامل گناه یا گناهانی را که مرتکب شده است می‌پذیرد. سومین سازه این است که امید به بخشش و آمرزش بر پایهٔ لیاقت و شایستگی ایماندار و اعمال نیکوی او در گذشته استوار نمی‌باشد، بلکه فقط و فقط بر قربانی عیسی مسیح که بلاگردان ما شد. ایماندار بالغ می‌داند که تنها امید او برای اینکه خدا وی را ببخشد این است «که مسیح بر حسب کُتب در راه گناهان ما مرد و اینکه مدفون شد و در روز سوم بر حسب کُتب برخاست» (اول قرن‌تیان ۱۵: ۳-۴).

در اعتراف به گناه، سازهٔ حیاتی چهارمی وجود دارد که در دعای اعترافی که پیش از این عنوان شد چندان صریح و مستقیم بیان نشده، ولی لازم است به آن پردازیم و بر آن تأکید نماییم، زیرا، بدون این سازه، توبه کردن بی معنی و بی فایده خواهد بود. این سازه ایمان می‌باشد. ما باید به وعده‌های خدا در مورد بخشش و آمرزش ایمان داشته باشیم. ما باید ایمان داشته باشیم که خداوند حتی بزرگ‌ترین گناهان شکسته‌دلان و نادمان و پشیمانان را می‌بخشد و آنها را پاک می‌کند. حتی برای بالغ‌ترین ایمانداران یکی از دشوارترین مسایل این است که عظمت بخشش خدا را درک کنند. ولی، وقتی بخشش خدا را به درستی درک می‌کنیم، فیض خدا چنان نیکو به چشم می‌آید که با خودمان می‌گوییم: «اصلاً چرا خدا باید مرا ببخشد؟! آیا اصلاً درست است که خدا مرا ببخشد؟» بسیار خوب، آمرزش ما کار درستی نمی‌بود اگر که صلیب خداوند و منجی‌مان عیسی مسیح در میان نبود که بدهی گناهان را پردازد تا عدالت الهی را اجرا نماید و غضب الهی را فرو بنشانند. اگر دیدگاهمان به صلیب درست نباشد، ما

هم مانند پطرس در هنگامه گناهانمان بانگ خواهیم زد: «ای خداوند، از من دور شو، زیرا مردی گناهکارم» (لوقا ۵: ۸). ولی کسی با دلی شکسته و دیدگاه درست به جلجتا نگاه می‌کند، می‌فهمد چشمه‌ای برای گناه و ناپاکی برای او گشوده شده است (زکریا ۱: ۱۳). آن‌گاه، آن دل شکسته دل و جرأت پیدا می‌کند و بانگ برمی‌آورد: «گناه این قوم را بر حسب عظمت رحمت خود بیامرز» (اعداد ۱۴: ۱۹).

ما باید به وعده‌های خدا محکم بچسبیم، چون بسیار مستعد هستیم که خدا را نیز مانند خودمان بدانیم (مزمور ۵۰: ۲۱) و گمان کنیم رحمت و فیض و آمرزش خدا نیز مانند ما محدود است و در قید و بند. ما همواره باید به یاد داشته باشیم که «چنان که آسمان از زمین بلندتر است، همچنان طریق‌های من از طریق‌های شما و افکار من از افکار شما بلندتر می‌باشد» (اشعیا ۵۵: ۹). ما خودمان را بسیار بزرگوار و گشاده‌دست می‌پنداریم، چرا که به خودمان می‌بالیم که دیگران را تا هفت مرتبه می‌بخشیم. حال آنکه، فراموش می‌کنیم که حتی اگر خدا هفتاد هفت مرتبه هم ببخشد باز هم فیضش تمام نخواهد شد: «آن‌گاه، پطرس نزد او آمده گفت: خداوند، چند مرتبه برادرم به من خطا ورزد، می‌باید او را آمرزید؟ آیا تا هفت مرتبه؟ عیسی بدو گفت: تو را نمی‌گویم تا هفت مرتبه، بلکه تا هفتاد هفت مرتبه!» (متی ۱۸: ۲۱-۲۲). ما نمی‌توانیم بخشش خدا را کاملاً درک نماییم و از بخشش خدا به قدر کفایت بهره ببریم، چرا که پیوسته درگیر این جنگ و کشمکش هستیم که شیطان ما را متهم می‌کند، به شخصیت خدا افترا می‌زند، ثمربخش بودن صلیب را در نظر ما کم‌اهمیت جلوه می‌دهد، و نامشروط بودن فیض را انکار می‌کند. ولی، اگر شیطان موفق نشود گناهان ما را در نظرمان کم‌اهمیت جلوه دهد و باعث شود ما نیاز به توبه را احساس نکنیم، آن‌گاه، تقلا می‌کند گناهانمان را بزرگ جلوه دهد و به ما بقبولاند که گناهانمان نابخشودنی است و دیگر نمی‌توانیم به فیض الهی امیدوار باشیم و باید در یأس و ناامیدی به سر ببریم. حال، اگر شیطان در این تلاش و تقلا هم ناکام بماند، به اصطلاح، خودش را به در و دیوار می‌زند تا ما به نیکویی خدا شک کنیم. شیطان تلاش می‌کند ما را متقاعد کند که لازم است مدتی از خدا دور شویم تا در وقت مناسب که خشم خدا فروکش کند و ما نیز صداقت و خلوص نیت خودمان را ثابت کنیم، آن‌گاه، می‌توانیم با دلی شکسته به حضور خدا بیاییم. حال آنکه، دروغ‌های شیطان دروغ‌های قوی هستند و حتی مقدسانی بالغ‌تر از من و شما را پایین انداخته‌اند. تنها سپریا سنگردر مقابل تیرهای آتشین شیطان

توبه و اعتراف

این است که به وعده‌های خدا محکم بچسبیم. در این نبرد و مبارزه، با یک حساب سرانگشتی می‌توان به این نتیجه رسید که هرچند خدا به صراحت و با توبیخی دردناک گناهانمان را برملا می‌کند، اما همواره از ما می‌خواهد دوان دوان نزدش آییم، نه اینکه از او فرار بکنیم. هر صدا و نجوایی که ایماندارِ گناهکار را از خدا دور می‌کند یا نجوای جسم است یا نجوای دنیا یا نجوای شیطان. چنین نجوایی قطعاً از جانب خدا نیست! این شهادت کتاب مقدس است که خدا غم و اندوه خداپسندانه برای گناه را بسیار ارج می‌نهد:

قربانی‌های خدا روح شکسته است. خدایا، دل شکسته و کوبیده را خوار نخواهی شمرد (مزمور ۵۱: ۱۷).

زیرا او که عالی و بلند است و ساکن در ابدیت می‌باشد و اسم او قدوس است چنین می‌گوید: من در مکان عالی و مقدس ساکنم و نیز با کسی که روح افسرده و متواضع دارد، تا روح متواضعان را احیا نمایم و دل افسردگان را زنده سازم (اشعیا ۵۷: ۱۵).

اما به این شخص که مسکین و شکسته دل و از کلام من لرزان باشد نظر خواهیم کرد (اشعیا ۶۶: ۲).

خوشا به حال ماتمیان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت (متی ۴: ۵).

خوشا به حال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا ایشان سیر خواهند شد (متی ۶: ۵).

به دلیل مهربانی خدا و رغبت او به آمرزش است که خودش توبه و اعتراف اصیل و راستین را یکی از طریق‌های فیض مقرر نموده تا سبب‌ساز شادی عظیم ما باشند. ما، ایمانداران، نباید کلام خدا را نادیده بگیریم، نباید گوش‌های خود را به صدای روح القدس ببندیم هنگامی که گناهمان را برای ما برملا می‌کند. برعکس، باید خود را فروتن کنیم، باید گناهمان را بپذیریم، باید از گناهمان روی بگردانیم، باید دوان دوان نزد تخت رحمت خدا بیاییم، باید به درگاه خدا بشتابیم که به خاطر خون عیسی مسیح تا ابد به روی ما گشوده است. نویسندهٔ رسالهٔ عبرانیان چنین توضیح و اندرز می‌دهد: «زیرا رییس کهنه‌ای نداریم که نتواند همدرد ضعف‌های ما بشود، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال ما، بدون گناه. پس با دلیری نزدیک به تخت فیض

بیابیم تا رحمت بیابیم و فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت ما را اعانت کند»
(عبرانیان ۴: ۱۵-۱۶).

نشانه‌های ایمان

پیش از آنکه در این مطالعه پیش‌تر برویم، مهم است به این نکته توجه نماییم که حساس بودن به گناه و توبه و اعتراف نمودن صرفاً نشانه‌های رشد و بلوغ روحانی نیستند، بلکه نشان می‌دهد که نجات یک فرد اصیل و واقعی می‌باشد. حتی یک نوایمان نسبت به گناه بی‌تفاوت و بی‌اعتنا نیست و تمایل دارد در مقابل گناه بایستد و توبه و اعتراف ورد زبانش است. در نقطهٔ مقابل، کسی که تمایلی به توبه و اعتراف ندارد چه بسا ثابت می‌کند هنوز تولد تازه ندارد. در این مورد، یوحنا رسول می‌نویسد: «اگر گوییم که گناه نداریم، خود را گمراه می‌کنیم و راستی در ما نیست [یعنی ما ایماندار نیستیم]. اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد [یعنی ما ایماندار هستیم]. اگر گوییم که گناه نکرده‌ایم، او را دروغگو می‌شماریم و کلام او در ما نیست [یعنی ما ایماندار نیستیم]» (اول یوحنا ۸: ۱-۱۰).

اینکه شخص ایماندار به کمال روحانی برسد و اصلاً گناه نکند گواه نجات اصیل و واقعی نیست، حال آنکه، عده‌ای این رسیدن به کمال و گناه نکردن را به اشتباه نشانهٔ نجات اصیل و واقعی می‌دانند. در عوض، حساسیت به گناه، قهر کردن با گناه، اعتراف به گناه، و شادی آرمزیده شدن نشانه و گواه نجات اصیل و واقعی می‌باشد. به این دلیل، ایمانداران راستین در چشم غیرایمانداران یک تناقض می‌باشند، چرا که از یک سو ایمانداران ماتمیان و سوگواران توصیف می‌شوند (متی ۵: ۴)، از سوی دیگر، در وصف آنها گفته می‌شود وجد می‌نمایند با خرمی که نمی‌توان بیان کرد و پُراز جلال است (اول پطرس ۱: ۸).

هر قدر شناخت ایمانداران از شخصیت و ارادهٔ خدا بیشتر می‌شود، گناهانشان بیشتر به چشمشان می‌آید و به روشنی می‌بینند که کمتر هم‌نوا با خدا می‌باشند. این چنین است که بسیار شکسته‌دل می‌شوند و به سبب گناهشان ماتم می‌گیرند. به این دلیل است که ایمانداران «ماتمیان» نامیده می‌شوند. اما، هم‌زمان، هرچه شناخت آنها از خدا بیشتر می‌شود، رحمت خدا و فیض خدا، که در شخصیت و کار

نجات بخش مسیح بر صلیب نمایان است، بیشتر در نظرشان جلوه می‌کند و چنین می‌شود که در خدای نجاتشان وجد و شادمانی بیشتری می‌نمایند. به این ترتیب، هر سال که می‌گذرد، ماتم و شادی ایشان دوشادوش بیشتر و بیشتر می‌شود، تا آخرین روز عمرشان که در حالی که برای گناهانشان شکسته دل می‌باشند وجد می‌نمایند با خرمی که نمی‌توان بیان کرد و پُراز جلال است. وقتی کسی از ایمانداران می‌پرسد که چگونه ممکن است این حس ماتم و شادی، همزمان، در وجود یک نفر در جریان باشد، آنها پاسخ می‌دهند: «من گناهکار بزرگی هستم، ولی مسیح منجی بزرگ تری است.» به این تغییر و تحول نیز توجه کنید: شادی ایمانداران به فضیلت‌های اخلاقی کِدر و لکه‌دار آنها یا اعمال و رفتار تغییرپذیر ایشان بستگی ندارد، بلکه به صلیب مسیح و فیض خدا که از صلیب مسیح سرازیر می‌باشد.

شادمانی در کاربرد این حقایق

اکنون، که این حقایق مهم را آموختیم، در پرتو آنها باید زندگی و اعتراف ایمان خود را محک بزنیم. آیا شناخت ما از قدوسیت خدا بیشتر و بیشتر می‌شود و در نتیجه آن بیشتر و بیشتر به گناه حساس‌تر می‌شویم؟ آیا نسبت به گناهانمان حس تحقیر و انزجار بیشتری داریم؟ آیا با گناه مبارزه می‌کنیم؟ آیا در کنار سنگینی بار گناهانمان مهربانی خدا را به یاد می‌آوریم که ما را به توبه و اعتراف هدایت می‌کند (رومیان ۲: ۴)؟ اگر پاسخ ما بلی است، نشان می‌دهد کار نجات بخش خدا در ما ثمر داده، ولی لازم است از آن نگهداری و مراقبت شود تا به رشد و بلوغ برسد. باشد که همواره این طرز فکر را داشته باشیم که «راه‌های خود را تجسس و تفحص بنماییم و به سوی خداوند بازگشت کنیم» (مراثی ارمیا ۳: ۴۰). اگر خدا یک خدای خشن و بی‌محبت و بی‌رحم بود که فقط آدمیان را محکوم می‌کرد، حق داشتیم با هرچه در توان داریم گناهان خود را پنهان یا آنها را به کل انکار کنیم. اما خدای ما «رحمان و کریم است، دیرغضب و بسیار رحیم» (مزمور ۱۰۳: ۸). خدا پسر خودش را فرستاد تا بهای تک‌تک گناهان ما را پرداخت نماید، بهای همه گناهان، از اولین گناه تا آخرین گناه. کتاب مقدس می‌فرماید خدا از مردن شریر خشنود نیست، بلکه خشنود است که شریر از طریق خود بازگشت نموده، زنده بماند (حزقیال ۳۳: ۱۱). بنابراین، باشد که از راه‌های شریر خویش بازگشت نماییم و زنده بمانیم. به فرموده کتاب مقدس، خشم خدا مهیب و

عظیم است: «زیرا خداوند، چنان که در کوه فراصیم کرد، خواهد برخاست و چنان که در وادی جبّعون نمود خشمناک خواهد شد تا کار خود یعنی کار عجیب خود را به جا آورد و عمل خویش یعنی عمل غریب خویش را به انجام رساند» (اشعیا ۲۸: ۲۱). حال آنکه، خدا انتظار می‌کشد تا بر شما رأفت نماید و از این سبب برمی‌خیزد تا بر شما ترخّم فرماید (اشعیا ۳۰: ۱۸). به خاطر این حقایق درباره شخصیت خدا، هرگز نباید توبه و اعتراف را به چشم جلادهایی نگاه کنیم که ما را به کشتارگاه محکومیت و مرگ می‌برند، بلکه توبه و اعتراف را خادمان خدای خودمان بدانیم که ما را به خون مسیح هدایت می‌کنند که ما را چون برف سپید می‌سازد و به حضور خویش بازمی‌گرداند.

پرسش‌هایی جهت تفکر و تأمل:

۱. توبه بر مبنای کتاب مقدس را توضیح دهید. تعریف خود را با معنای این فعل در زبان یونانی *metanoeo* «متانوائو» و فعل «ناخام» در زبان عبری یکپارچه نمایید.
۲. گناه یک بیماری و ناخوشی در زندگی مسیحی است. توضیح دهید که گناهی که ایماندار آن را اعتراف نمی‌کند به چه صورت به زندگی او آسیب می‌زند؟
۳. چگونه توبه اصیل و راستین به شناخت ما از کتاب مقدس بستگی دارد؟
۴. چگونه توبه اصیل و راستین به مشارکت ما با سایر ایمانداران در کلیسای محلی بستگی دارد؟
۵. وقتی گناهی برای ایماندار بر ملا می‌شود، او چگونه باید به آن گناه واکنش نشان دهد یا با آن برخورد نماید؟
۶. واژه «اعتراف» را بر مبنای کتاب مقدس تعریف کنید. تعریف خود را با معنای این فعل در زبان یونانی *homologeō* «هومولوگئو» یکپارچه نمایید.

۷. چهار سازه مهم و حیاتی را در اعترافی که در کتاب مقدس ریشه دارد نام ببرید.
۸. چرا این امر بسیار مهمی است که شناختمان از وعده‌های خدا را در خصوص بخشش و آمرزش بیشتر کنیم و محکم و استوار به آن وعده‌ها بچسبیم؟
۹. چرا پی بردن به گناه موجب می‌شود ایماندار به جای ترس و فرار از خدا شتابان به سوی خدا بیاید؟
۱۰. چرا شیطان تقلا می‌کند کاری کند تا قوم خدا به بخشش و آمرزش خدا شک کنند؟ چکار کنیم تا بتوانیم در مقابل شیطان ایستادگی نماییم؟
۱۱. خدا به ایمانداری که به خاطر گنااهش شکسته دل است و جویای بخشش و آمرزش چه نگرشی دارد؟ مهم‌ترین آیات کتاب مقدس را در این زمینه نام ببرید.
۱۲. توضیح دهید که چگونه ایمانداران می‌توانند همزمان ماتم کنند و شاد باشند.
۱۳. توضیح دهید که چگونه توبه و اعتراف هدیه خدا و از طریق‌های فیض می‌باشند و سبب ساز بازبایی و آرامش و شادی خواهند شد.
۱۴. این جمله را توضیح دهید: «به خاطر شخصیت سرشار از رحمت خدا، هرگز نباید توبه و اعتراف را به چشم جلادهایی نگاه کنیم که ما را به کشتارگاه محکومیت و مرگ می‌برند، بلکه توبه و اعتراف را خادمان خدای خودمان بدانیم که ما را به خون مسیح هدایت می‌کنند که ما را چون برف سپید می‌سازد و به حضور خویش بازمی‌گرداند.»

کلیسا

پس از آنکه کوتاه و مختصر بررسی نمودیم که کتاب مقدس و دعا از طریق‌های فیض می‌باشند، اکنون، نوبت می‌رسد به کلیسا، مشارکت در کلیسا، و آیین‌های کلیسا. از همین ابتدا، لازم است این واژگان را تعریف کنیم تا خاطر جمع باشیم که همگی هم عقیده می‌باشیم. در این فصل، واژه «کلیسا» به جمع بومی و محلی ایمانداران اشاره دارد که به یکدیگر متعهد می‌باشند. شبانی و رهبری روحانی این جمع بومی و محلی را مردانی به عهده دارند که رهبران و مشایخ واجد شرایط می‌باشند (اول تیموتائوس ۳: ۱-۷؛ تیتس ۱: ۵-۹). شماری از شماسان واجد شرایط نیز، که کفایتشان را کتاب مقدس تأیید نموده، به این جمع ایمانداران خدمت می‌کنند (اول تیموتائوس ۳: ۸-۱۳). ایشان وقف دعا و سرسپرده تفسیر آیه به آیه کتاب مقدس می‌باشند، آیین‌های کلیسا را به جای می‌آورند و پایبند توبیخ و تأدیبات اعضای کلیسا می‌باشند. حال، ناگفته نماند که شرکت نمودن در جلسات هفتگی مطالعه کتاب مقدس، مدیریت و اداره سازمان‌های مسیحی و فعالیت در این سازمان‌ها و خدمات‌های مسیحی، یا گوش دادن به موعظه و اعطای محبوب و مورد علاقه‌مان در اینترنت و شبکه‌های مجازی نمی‌توانند جای کلیسای محلی را بگیرند. مهم است که این تفاوت را تشخیص بدهیم، زیرا بسیاری از ایمانداران با شرکت در چنین مشارکت‌های غیررسمی به این دل خوش می‌کنند که از حکم مشارکت در کلیسا اطاعت کرده‌اند. هرچند چنین فعالیت‌ها و مشارکت‌هایی می‌توانند مفید و پرفایده باشند، اما نمی‌توانند جایگزین

مشارکت در کلیسای محلی بشوند که بر مبنای کتاب مقدس اداره می‌شود. چنین مشارکتی بی‌چون و چرا طرح و تدبیر خدا برای ایمانداران است.

جادهٔ رشد و بلوغ روحانی، و مفید و ثمربخش بودن، جاده‌ای ناهموار است و عبور از آن دشوار. اما عبور از این جادهٔ دشوار تقریباً محال می‌شود اگر بخواهیم مستقل از مشارکت در کلیسای محلی و مستقل از تعلیم و اقتدار مشایخی که ما را تعلیم می‌دهند و شبانی و رهبری می‌کنند به رشد و بلوغ روحانی برسیم و در ایمان پایدار و ثابت قدم بمانیم. به این دلیل، نه فقط مفید و پرفایده بلکه کاملاً مهم و حیاتی است که در چارچوب کلیسای محلی و در محضر رهبران و مشایخ کلیسا، که ما را می‌شناسند و نظاره‌گر زندگی ما هستند، نجاتمان را به عمل آوریم. به این دلیل، نویسندهٔ رسالهٔ عبرانیان هشدار می‌دهد: «اعتراف امید را محکم نگاه داریم، زیرا که وعده‌دهندهٔ امین است و ملاحظهٔ یکدیگر را بنماییم تا به محبت و اعمال نیکوتر غیب نماییم و از با هم آمدن در جماعت غافل نشویم، چنان که بعضی را عادت است، بلکه یکدیگر را نصیحت کنیم و زیادتر به اندازه‌ای که می‌بینید که آن روز نزدیک می‌شود» (عبرانیان ۱۰: ۲۳-۲۵).

امروز، باید ماتم گرفت و به سوگ نشست برای قحطی کلیساهایی که تعلیمشان در کتاب مقدس ریشه دارد. باید زانوی غم در بغل گرفت برای کمبود کلیساهایی که شبانان آنها مردانی باکفایت و واجد شرایط هستند، که شماسان آنها باکفایت و واجد شرایط هستند، که وقف دعا و سرسپردهٔ تفسیر صحیح کتاب مقدس هستند، که آیین‌های کلیسا و توبیخ و تأدیب اعضای کلیسا را به جا می‌آورند. با این حال، باید حواسمان باشد مبادا عینک قضاوت به چشم بزنیم و به اصطلاح مورا از ماست بیرون بکشیم و از اعضای کلیسا مطالبه داشته باشیم که کامل و بی‌نقص باشند، در حالی که خودمان شخصاً پُر از عیب و نقص هستیم. اگر در آینهٔ کلام خدا گوشه‌چشمی به خودمان بیندازیم، یک دنیا نقص و عیب و ایراد در خودمان می‌بینیم، یک فهرست بلندبالا از اصلاحاتی که باید انجام بدهیم در خودمان می‌بینیم. به این دلیل و بسیاری دلایل دیگر، باید حواسمان باشد چیزی را از کلیسا مطالبه نکنیم که خودمان در زندگی شخصی از انجام آن قاصر و غافل مانده‌ایم. ما نباید مطالبه‌گریک کلیسای کامل و بی‌نقص باشیم، بلکه باید به دنبال کلیسایی باشیم که رهبران و اعضای آن در شناخت معیار خدا و تلاش و تکاپو برای رسیدن به آن معیار رشد روزافزون دارند.

رهبران و شبان‌های واجد شرایط

یکی از مهم‌ترین طریق‌های فیض که خدا به ما بخشیده خادمان امین و فروتن انجیل است که شرایط لازم را برای رهبری کلیسا دارا هستند (اول تیموتائوس ۳: ۱-۷؛ تیتوس ۱: ۶-۹) و وقف دعا و خدمت کلام خدا می‌باشند (اعمال رسولان ۶: ۲، ۴). این حقیقت، روشن و شفاف، در نامهٔ پولس رسول به کلیسای افسس بیان می‌شود: «و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیا و بعضی مبشران و بعضی شبانان و معلمان را برای تکمیل مقدسان، برای کار خدمت، برای بنای بدن مسیح، تا همه به یگانگی ایمان و معرفت تام پسر خدا و به انسان کامل، به اندازهٔ قامت پُری مسیح، برسیم» (افسیان ۴: ۱۱-۱۳). این آیات هرگونه سایهٔ شک و تردید را برطرف می‌کنند که این خود مسیح است که خادمان امین را برای بنای کلیسا به کلیسا می‌بخشد. آیا این عطیه‌ها را نادیده می‌گیریم یا حتی از آنها رویگردان هستیم؟ آیا اهمیت آنها را ناچیز می‌شمریم؟ آیا به شکلی رفتار می‌کنیم که گویی به دارویی که مسیح برای ما نسخه پیچیده است نیاز نداریم؟

یک ایماندار صادق و بی‌ریا، که نادرست راهنمایی شده است، چه بسا در پاسخ به این پرسش‌ها بگوید: «ولی خادمی وجود ندارد که ویژگی‌های یک رهبر واجد شرایط را داشته باشد و به خوانندگی‌اش مطابق با کتاب مقدس وفادار باشد.» پاسخ به این مخالفت دو جنبه دارد. از یک طرف، اینکه بگوییم در این کرهٔ خاکی حتی یک خادم وفادار مسیح پیدا نمی‌شود سنجش و ارزیابی درست و مناسبی در مورد خادمان نیست و به شکلی انکار حاکمیت و اقتدار مسیح به حساب می‌آید! کلیسا کلیسای مسیح است و او خودش کلیسا را تأمین می‌کند و خودش پشتیبان و نگهدار کلیسا است. این درست است که شارلاتان‌ها و زورگویان و غصب‌کنندگان در کلیسا فراوانند، ولی مسیح همواره هفت هزار نفر را دارد که تمامی زانوهای ایشان نزد بعل خم نشده است (رومیان ۱۱: ۴؛ ۱ پادشاهان ۱۹: ۱۸). از سوی دیگر، باید متوجه باشیم حتی بهترین مردان خدا، در این سوی آسمان و در این سوی جلال، هیچ‌گاه به آن کمالی که مد نظر مسیح است نمی‌رسند. بنابراین، حتی با اینکه انتظار داریم رهبران و مشایخ کلیسا بر مبنای کتاب مقدس ویژگی‌های لازم را داشته باشند و تکلیف و وظیفهٔ خویش را با امانت و وفاداری به جا آورند، نباید از هیچ‌کس بیشتر از چارچوب کتاب مقدس انتظار و مطالبه داشته باشیم. حتی پولس، این رسول بزرگ و برجسته،

در توصیف خودش می‌گوید: «نه اینکه تا به حال به چنگ آورده یا تا به حال کامل شده باشم، ولی در پی آن می‌کوشم، بلکه شاید آن را به دست آورم که برای آن مسیح نیز مرا بدست آورد. ای برادران، گمان نمی‌برم که من به دست آورده‌ام. لیکن یک چیز می‌کنم که آنچه در عقب است فراموش کرده و به سوی آنچه در پیش است خویشتن را کشیده، در پی مقصد می‌کوشم، به جهت انعام دعوت بلند خدا که در مسیح عیسی است» (فیلیپیان ۳: ۱۲-۱۴).

پس از این هشدارهای لازم، اکنون به رهنمود و هشدار به خادمان می‌پردازیم. همهٔ خادمان خوانده شده‌اند تا به کتاب مقدس امین باشند و بنا بر امانت و وفاداری شان قضاوت و ارزیابی خواهند شد. ما نباید ردای خدمت بپوشیم یا اجازه دهیم دیگران ما را به خدمت بگمارند، تا زمانی که خودمان با وجدانی آسوده خاطر جمع باشیم که ویژگی‌های نامبرده در کتاب مقدس را برای یک خادم دارا می‌باشیم (اول تیموتائوس ۳: ۱-۷؛ تیطس ۱: ۶-۹) و اعضای بالغ و برومند کلیسا نیز بتوانند این ویژگی‌های مشخص را در شخصیت و رفتار و کردار ما تأیید نمایند. این ویژگی‌ها و خصوصیات دل‌بخوایی و اختیاری نیستند و یک خادم نمی‌تواند به این دلخوش باشد که این ویژگی‌ها و خصوصیات را بعدها کم‌کم در خودش پرورش بدهد. این ویژگی‌ها و خصوصیات، بی‌چون و چرا، واجب و ضروری می‌باشند. علاوه بر این، ما باید تصدیق کنیم که ویژگی‌ها و خصوصیات خادمان ما محدود و منحصر به طرح و تدبیر و مقصودی است که کلام مکتوب کتاب مقدس برای خادمان و رهبران کلیسا تعیین نموده است. ما این آزادی را نداریم که خودمان خدمت خویش را تعریف نماییم و به قول معروف خودمان برای آن نسخه تنظیم کنیم. ما باید کاملاً متقاعد باشیم که پیش‌نیازها و وظایف و تکلیف خدمت روحانی، شفاف و روشن، در کتاب مقدس مکشوف است و ما خوانده شدیم تا از صمیم قلب و همزمان که ترس خداوند را در دل داریم تسلیم و مطیع کلام خدا باشیم. ردای خدمت افتخار است و مسوولیتی سنگین. اگر قرار است خادم مسیح باشیم، این هشدارها را در عمق دل و فکرمان جای دهیم که حتی تا مغز استخوانمان فرو بروند:

لکن، اگر کسی بر آن بنیاد عمارتی از طلا یا نقره یا جواهر یا چوب یا گیاه یا کاه بنا کند، کار هر کسی آشکار خواهد شد، زیرا که آن روز آن را ظاهر خواهد نمود، چون که آن به آتش به ظهور خواهد رسید و خود آتش عمل هر کسی را خواهد آزمود که چگونه است.

اگر کاری که کسی بر آن گذارده باشد بماند، اجر خواهد یافت و اگر عمل کسی سوخته شود، زیان بدو وارد آید، هرچند خود نجات یابد، اما چنان که از میان آتش (اول قرن‌تیان ۱۲:۳-۱۵).

لهذا حریص هستیم بر اینکه، خواه متوطن و خواه غریب، پسندیده‌ او باشیم. زیرا لازم است که همه ما پیش مسند مسیح حاضر شویم تا هرکسی اعمال بدنی خود را بیابد، به حسب آنچه کرده باشد، چه نیک چه بد (دوم قرن‌تیان ۹:۵-۱۰).

ای برادران من، بسیار معلم نشوید، چون که می‌دانید که بر ما داوری سخت‌تر خواهد شد (یعقوب ۱:۳).

یک ایماندار، هر قدر هم از نظر روحانی بالغ باشد و حتی اگر سال‌های بسیاری از ایمانش گذشته باشد، باید زیر نظر تعلیم و شبانی رهبران فروتن و خدانشناس باشد. این نظر شخصی من درباره خدمت روحانی نیست، این تدبیر و برنامه مسیح برای کلیسای خویش است. من و شما به سخنران‌های خوش‌بیان و شیرین‌سخن، که شخصیت نافذ و قدرتمندی دارند، نیاز نداریم. من و شما به واعظانی که چهره‌های معروفی هستند ولی در عمل، به اصطلاح، اصلاً در باغ نیستند احتیاج نداریم. من و شما به دیکتاتورهای روحانی یا مردان طمعکار که از شیرۀ جانِ گله به نفع خودشان می‌نوشند نیاز نداریم. ما به شبان‌های نیکو نیاز داریم که جانشان را برای گوسفندان فدا می‌کنند: «من شبان نیکو هستم. شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می‌نهد» (یوحنا ۱۰:۱۱). ما به ناظران و مباشران امین و فهمیده نیاز داریم که سهمیه قوم خدا را به درستی در اختیارشان بگذارند: «خداوند گفت: پس کیست آن ناظر امین و دانا که مولای او وی را بر سایر خدّام خود گماشته باشد تا آذوقه را در وقتش به ایشان تقسیم کند؟» (لوقا ۱۲:۴۲).

مشارکت مقدسان

یکی دیگر از طریق‌های فیض در بافت و چارچوب کلیسای محلی خدمت مقدسان می‌باشد. نامه پولس به افسسیان مشخص می‌کند که خادمان به کلیسا بخشیده شدند «برای تکمیل مقدسان، برای کار خدمت، برای بنای بدن مسیح» (افسسیان ۴:۱۲). روح القدس به طور ویژه به هر عضو کلیسا عطیه می‌بخشد تا تک تک اعضا در کلیسای محلی به خدمت مشغول باشند. این امر ثابت می‌کند که اعضای کلیسا به

یکدیگر نیاز دارند. در مسیحیتی که ریشه در کتاب مقدس دارد و بر آن بنا است، جایی برای گوشه‌گیری و منزوی بودن وجود ندارد. کتاب عبرانیان ۱۰:۲۳-۲۵ هشدار می‌دهد به اینکه غافل نشویم و در جماعت با هم جمع بشویم، چون باید به شوق بیاییم و بر سر ذوق بیاییم و دلگرم بشویم با کلام تشویق‌آمیزی که از سایر اعضای کلیسا می‌شنویم. این موضوع و درونمایه پیوسته و همیشگی در سراسر عهد جدید می‌باشد. در اینجا به چند نمونه کوتاه و مختصر اشاره می‌کنیم:

و نعمت‌ها انواع است، ولی روح همان و خدمت‌ها انواع است، اما خداوند همان و عمل‌ها انواع است، لکن همان خدا همه را در همه عمل می‌کند. ولی هر کسی را ظهور روح به جهت منفعت عطا می‌شود (اول قرنتیان ۱۲:۴-۷).

و هر یک به حسب نعمتی که یافته باشد یکدیگر را در آن خدمت نماید، مثل وکلاء امین فیض‌گوناگون خدا (اول پطرس ۱:۴).

کلام مسیح در شما به دولت‌مندی و به کمال حکمت ساکن بشود و یکدیگر را تعلیم و نصیحت کنید به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی و با فیض در دل‌های خود خدا را بسرایید (کولسیان ۳:۱۶).

برادران و خواهران عزیز، ما در مورد نیازمان به کلیسای محلی و مشارکت در بدن مسیح هرچه بگوییم کم گفته‌ایم. در کلیسای محلی است که ما خوانده می‌شویم تا برای بنای روحانی همه اعضای کلیسا خدمت کنیم و خدمت بشویم. حتی پولس، این رسول بزرگ و برجسته، از نیازمندی به این طریق عالی فیض غافل نبود. به کلیسای روم، او می‌نویسد: «زیرا بسیار اشتیاق دارم که شما را ببینم تا نعمتی روحانی به شما برسانم که شما استوار بگردید، یعنی تا در میان شما تسلی یابیم از ایمان یکدیگر، ایمان من و ایمان شما» (رومیان ۱:۱۱-۱۲).

آیین‌های کلیسا

در کلیسای عهد جدید دو آیین وجود دارد: تعمید در آب و شام خداوند. در سراسر تاریخ کلیسا، بسیاری از ایمانداران شاخه انجیلی واژه «آیین» را به «آداب و تشریفات مذهبی» ترجیح داده‌اند تا در راه روی هراحتمال و گمانه‌زنی بینند که مبادا کسی در دام این باور اشتباه گرفتار شود که تعمید در آب یا برگزاری شام خداوند را وسیله‌ای

برای نجات و رستگاری به حساب آورد. این آموزه که تعلیم می‌دهد تعمید در آب عامل تولد تازه است و این باور که نان و شراب در آیین شام خداوند به معنای واقعی به بدن و خون مسیح تبدیل می‌شوند اشتباه و خطایی عمیق و جدی می‌باشد. آیین شام خداوند یادآور مرگ مسیح و رستاخیز مسیح است و باید به یادبود او برگزار شود و اعلام و علامت و مَهر رسالت نجات بخش مسیح برای کلیسا باشد (اول قرن‌تینان ۲۳:۱۱-۲۶). تعمید در آب یک اعلام عمومی است که ایماندار در حضور همگان ایمانش به مسیح را اعتراف می‌نماید و در حضور جمع اعلام می‌کند با شخص عیسی مسیح و با انجیل عیسی مسیح و با قوم عیسی مسیح متحد و یکپارچه می‌باشد. البته که ما نباید ذره‌ای هم به این باور که تعمید در آب و شام خداوند وسیله دستیابی به فیض نجات بخش هستند اجازه ورود بدهیم و لازم است چنین باور و عقیده‌ای را مردود اعلام کنیم. ولی باید بکوشیم تا از اهمیت و فایده عظیم این دو آیین، فراوان، سخن بگوییم و اعلام کنیم این دو آیین از طریق‌های فیض می‌باشند که ایمانداران را تقدیس می‌کنند، به همان شکل که خواندن کتاب مقدس و موعظه کلام خدا و دعای دسته جمعی اعضای کلیسا طریق‌هایی تقدیس‌گر می‌باشند. در هر دو آیین، مسیح بشارت داده می‌شود. در هر دو آیین، مسیح در میان قومش حاضر است. پس از خطابه مسیح درباره توبیخ و تأدیب اعضای کلیسا، او می‌فرماید: «زیرا جایی که دو یا سه نفر به اسم من جمع شوند آنجا در میان ایشان حاضرم» (متی ۱۸:۲۰). اگر چنین وعده‌ای به هنگام جمع شدن برای توبیخ عضوی که از توبه کردن سر باز می‌زند کاربرد دارد، چقدر بیشتر، این وعده در زمانی کاربرد دارد که کلیسای محلی برای تعمید در آب و برگزاری شام خداوند گرد هم می‌آیند!

هر قدر از اهمیت آیین‌های تعمید در آب و شام خداوند بگوییم باز هم کم است. با این حال، کلیساهای شاخه انجیلی در تلاشی بجا و سنجیده سعی بر این دارند تا مبدا کاری کنند که این آیین‌ها را جزیی از طریق‌های نجات و رستگاری جلوه دهند. از این رو، در راستای این تلاش، ما، در معرفی این دو آیین، اهمیت، والایی، و وقار این دو را کمتر از آنچه شایسته و براننده آنها است جلوه دادیم. رهبران و مشایخ کلیسا نه فقط باید دیدگاه کتاب مقدس را در مورد این دو آیین تعلیم دهند، بلکه اهمیت خاص و ویژه این دو آیین را به ایمانداران گوشزد نمایند و آنها را رهنمود دهند که چگونه دل و فکرشان را برای این دو آیین آماده و مهیا سازند.

توبیخ و تأدیب اعضای کلیسا

در ذهن بسیاری چنین جا افتاده که حتی اشارهٔ مختصر به توبیخ اعضای کلیسا تصویری را از شریعت‌گرایی، بالیدن به عدالت و راست‌کرداری، ریاکاری، بی‌محبتی، و بی‌رحمی و سنگ‌دلی به ذهن می‌آورد. اغلب، در جهت مخالفت با تأدیب اعضای کلیسا، آیتی را خارج از بافت و محتوا از کتاب مقدس بیرون می‌کشند و می‌گویند: «حکم مکنید تا بر شما حکم نشود» (متی ۱۰:۷) یا «هر که از شما گناه ندارد اول بر او سنگ اندازد» (یوحنا ۸:۷). ردپای این باورها و عقیده‌های منفی و این استدلال‌های مخالف معمولاً به سه منبع مجزا می‌رسد: موقعیتی در گذشته که توبیخ اعضای کلیسا بر مبنای کتاب مقدس انجام نشده است، یا اینکه در مورد تعلیم کتاب مقدس جهالت و ناآگاهی بارز و چشمگیری وجود داشته است و مورد سوم اینکه در مورد معنای واقعی محبت به یکدیگر و نگرانی برای وضعیت روحانی یکدیگر دیدگاهی نفسانی و دنیایی و خلاف کتاب مقدس وجود داشته است.

هرگز نباید فراموش کنیم که عیسی مسیح فرمان می‌دهد کلیسای محلی باید در توبیخ و تأدیب اعضای کلیسا کوشا باشد (متی ۱۸:۱۵-۱۷). اگر این اقدام به روشی خارج از تعلیم کتاب مقدس اجرا می‌شود، باید آن را به شدت محکوم نمود و باید از پذیرش آن خودداری کرد. اما نباید صورت مسأله را به کل پاک کنیم. خداوند محبت این توبیخ و تأدیب را حکم نمود تا وسیله‌ای باشد برای محافظت و خالص نمودن و هدایت کلیسایش تا به رشد و بلوغ بیشتری برسد. سر باز زدن از توبیخ و تأدیب اعضای کلیسا و یا پذیرش آن به صورت نظری ولی نه عملی، علاوه بر اینکه بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به این حکم به حساب می‌آید، دست رد زدن به خداوند و نپذیرفتن سلطنت مقتدرانهٔ او بر کلیسا می‌باشد. بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به این رسم و خودداری از به جای آوردن آن آسیب‌های بی‌شماری به اعضای کلیسا می‌زند و مانع از پیشرفت روحانی و بلوغ آنها می‌گردد.

اکنون، که اعتبار و ارزش توبیخ و تأدیب اعضای کلیسا تصدیق و تأیید شدند، باید بپرسیم چگونه سبب‌ساز رشد و بلوغ روحانی اعضای کلیسا می‌گردد. برای شروع، باید ابتدا درک نماییم که نقطهٔ شروع توبیخ و تأدیب اعضای کلیسا مدت‌ها پیش از آن است که حتی رهبران کلیسا تصمیم بگیرند عضوی را از کلیسا اخراج نمایند. توبیخ و تأدیب اعضای کلیسا از زمانی آغاز می‌شود که اعضای جدید به کلیسا اضافه

می‌شوند و رهبران کلیسا جدی و کوشا تلاش می‌کنند تا مطمئن شوند که آن اعضای جدید انجیل را به درستی درک نموده و کلیسا امیدوار است که آنها به راستی توبه کرده و تولد تازه دارند. دومین مورد این است که توبیخ و تأدیب اعضای کلیسا زمانی جلوه پیدا می‌کند که شبانان و رهبران کلیسا کتاب مقدس را پیگیر و مداوم تفسیر می‌کنند و توضیح می‌دهند و همچنین آن‌گاه که رهبران کلیسا شخصاً شبانی اعضای کلیسا را به عهده می‌گیرند. سومین مورد این است که وقتی یک نفر از اعضای کلیسا در گناه می‌افتد، اولین مرحله توبیخ و تأدیب این است که شخصاً و خصوصاً به عضو مورد نظر تذکر داده شود تا خودش را اصلاح نماید. اگر نشانی از توبه در او دیده نشود، آن‌گاه، یک یا دو ایماندار بالغ (ترجیح است که از رهبران و مشایخ باشند) به عضو نامبرده مشاوره و رهنمود می‌دهند. در نهایت، اگر باز هم از توبه خبری نباشد، در حضور کل اعضای کلیسا وضعیت روحانی او را اعلام می‌کنند (متی ۱۸: ۱۵-۱۷). وقتی همه تلاش‌ها و کوشش‌ها برای بازایی عضوی که در گناه افتاده است به نتیجه نرسد، در این مرحله است که این شخص از کلیسا اخراج می‌شود. ولی، در همین حال، اگر این شخص خطاکار که بیراهه رفته است توبه کند، بخشیده می‌شود و با آغوش باز و غرق محبت اعضای کلیسا به جمع کلیسا بازمی‌گردد. چند آیه مهم درباره توبیخ و تأدیب اعضای کلیسا از این قرار می‌باشد: (متی ۱۸: ۱۵-۲۰؛ اول قرنیتیان ۵: ۱-۶؛ دوم قرنیتیان ۲: ۱-۱۱؛ رومیان ۱۶: ۱۷؛ غلاطیان ۶: ۱؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۶؛ تیطس ۳: ۱۰؛ یهودا ۲۲-۲۳).

در پایان این فصل، باید دوباره تأکید نماییم که عضویت در کلیسای محلی و مشارکت پویا و فعال در کلیسا عاملی مهم و حیاتی برای رشد و بلوغ روحانی ایمانداران می‌باشد. خدا به ما کلیسای محلی همراه با رهبران و شبانان محلی بخشیده تا در این سفر طولانی و معمولاً دشوار یاور و مددکار ما باشند. کتاب مقدس گواهی می‌دهد که این سفر خطرناک را نباید به تنهایی طی کرد. ما باید تسلیم اراده خدا شویم و عضو سرزنده و بانشاط کلیسایی محلی باشیم که ثابت می‌کند صادقانه و بی‌ریا جوای مسیح و طالب پیروی از احکام مسیح است که در کتاب مقدس مکشوف می‌باشد.

پرسش‌هایی جهت تفکر و تأمل:

۱. در این فصل، چگونه کلیسا تعریف می‌شود؟ چرا مهم است کلیسا را به این شکل تعریف نماییم؟
۲. این جمله را توضیح دهید: «باید حواسمان باشد چیزی را از کلیسا مطالبه نکنیم که خودمان در زندگی شخصی از انجام آن قاصر و غافل مانده‌ایم. ما نباید مطالبه‌گریک کلیسای کامل و بی‌نقص باشیم، بلکه باید به دنبال کلیسایی باشیم که رهبران و اعضای آن در شناخت معیار خدا و تلاش و تکاپو برای رسیدن به آن معیار رشد روزافزون دارند.»
۳. این جمله را توضیح دهید: «یکی از مهم‌ترین طریق‌های فیض که خدا به ما بخشیده خادمان امین و فروتن انجیل است که شرایط لازم را برای رهبری کلیسا دارا هستند و وقف دعا و خدمت کلام خدا می‌باشند.»
۴. چرا مهم است که تشخیص دهیم ویژگی‌های رهبران و مشایخ کلیسا، که در رساله‌های اول تیموتائوس ۳: ۱-۷ و تیطس ۱: ۶-۹ بیان شده است، دل‌بخواهی و اختیاری نیستند و یک خادم نمی‌تواند به این دلخوش باشد که این ویژگی‌ها و خصوصیات را بعدها کم‌کم در خودش پرورش بدهد، چون که این ویژگی‌ها و خصوصیات بی‌چون و چرا واجب و ضروری می‌باشند؟
۵. این اظهاریه را توضیح دهید: «من و شما به سخنران‌های خوش‌بیان و شیرین‌سخن، که شخصیت نافذ و قدرتمندی دارند، نیاز نداریم. من و شما به واعظانی که چهره‌های معروفی هستند ولی در عمل، به اصطلاح، اصلاً در باغ نیستند احتیاج نداریم. من و شما به دیکتاتورهای روحانی یا مردان طمعکار که از شیرۀ جانِ گله به نفع خودشان می‌نوشند نیاز نداریم. ما به شبان‌های نیکو نیاز داریم که جانشان را برای گوسفندان فدا می‌کنند: «من شبان نیکو هستم. شبان نیکو جان خود را در راه

گوسفندان می نهد» (یوحنا ۱۰:۱۱). ما به ناظران و مباحثران امین و فهمیده نیاز داریم که سهمیه قوم خدا را به درستی در اختیارشان بگذارند.»

۶. با توجه به رساله‌های افسسیان ۴:۱۲ و کولسیان ۳:۱۶، توضیح دهید چگونه مشارکت مقدسان در کلیسای محلی یکی از طریق‌های فیض به حساب می‌آید.

۷. معنی این تصدیق‌نامه را توضیح دهید: «در مسیحیتی که ریشه در کتاب مقدس دارد و بر آن بنا است، جایی برای گوشه‌گیری و منزوی بودن وجود ندارد.»

۸. معنا و هدف تعمید در آب و شام خداوند را توضیح دهید. چگونه می‌توان این دو آیین را به راستی از طریق‌های فیض نامید؟

۹. این جمله را توضیح دهید: «البته که ما نباید ذره‌ای هم به این باور که تعمید در آب و شام خداوند وسیله دستیابی به فیض نجات‌بخش هستند اجازه ورود بدهیم و لازم است چنین باور و عقیده‌ای را مردود اعلام کنیم. ولی باید بکوشیم تا از اهمیت و فایده عظیم این دو آیین، فراوان، سخن بگوییم و اعلام کنیم این دو آیین از طریق‌های فیض می‌باشند که ایمانداران را تقدیس می‌کنند.»

۱۰. چه کسی بانی و پایه‌گذار توبیخ و تأدیب اعضای کلیسا است؟ چگونه این امر ثابت می‌کند توبیخ و تأدیب اعضای کلیسا یکی از طریق‌های فیض بر مبنای کتاب مقدس است که قوم خدا به وسیله آن محافظت و اصلاح و بنا می‌شوند؟ چگونه این امر ثابت می‌کند توبیخ و تأدیب اعضای کلیسا بر مبنای کتاب مقدس نشانه محبت اصیل و واقعی به آن عضوی است که مرتکب گناه شده اما توبه نکرده است؟

در دفاع از سادگی

ما به پایان این کتاب کوتاه در مورد طریق‌های فیض رسیدیم که برای رشد در قدوسیت واجب و حیاتی می‌باشند: کتاب مقدس، دعا، توبه و اعتراف، خدمت کلیسای محلی. اما، پیش از پایان، باید به موضوعی اشاره کنم. پی در پی به من اعتراض می‌شود که این کتاب بیش از اندازه ساده است، در حالی که ضعف‌ها و ناخوشی‌های روحانی ایمانداران به قدری متفاوت و گوناگون و پیچیده است که با چنین علاج و راه چاره ساده‌ای قابل درمان نمی‌باشد و نمی‌توان بر آن چیره شد. در مقابل این اعتراض، من فقط سه توضیح دارم.

نخستین توضیح این است که سختی‌ها و دشواری‌های مشترک در زندگی مسیحی، اگرچه پیچیده هستند، ولی فقط از چند منبع سرچشمه می‌گیرند: جسم، دنیا، شیطان. البته، قبل از هر چیز، باید این نکته را روشن و شفاف بسازم که منظورم از سختی‌ها و دشواری‌های مشترک در زندگی مسیحی سختی‌ها و دشواری‌های متداول و موانعی است که سد راه تقدیس شدن قرار می‌گیرند و تقریباً همه ایمانداران با این سختی‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند. پس منظور من موارد خاص و اشخاص استثنایی نیستند که با ناهنجاری‌ها و مشکلات جدی روحی و روانی و عاطفی دست و پنجه نرم می‌کنند. هرچند که چنین اشخاص نیز می‌توانند از طریق‌های عادی و معمول فیض بهره‌مند شوند، چه بسا لازم باشد زیر نظر پزشکان و متخصصان کاردان و باکفایت درمان شوند و همچنین از مشاوران مسیحی کمک بگیرند. به هر حال، هرچند ما در مسیح خلقت تازه هستیم و دیگر هویتمان با رابطه گذشته ما با آدم تعریف نمی‌شود

(دوم قرن‌تینان ۱۷:۵)، اما در وجود هر ایمانداران تَه مانده و تَفالُه انسانیت سقوط کرده هنوز باقی است. این جسم هنوز امیال و خواهش دارد و با روح القدس در جنگ است. پولس خطاب به کلیسای غلاطیه می‌نویسد: «زیرا خواهش جسم به خلاف روح است و خواهش روح به خلاف جسم، و این دو با یکدیگر منازعه می‌کنند، به طوری که آنچه می‌خواهید نمی‌کنید. اما، اگر از روح هدایت شدید، زیر شریعت نیستید» (غلاطیان ۱۷:۵-۱۸).

بی‌تردید، بزرگ‌ترین نبرد ایمانداران نبرد با جسم است. حتی دنیا و شیطان به سبب شهوت‌های جسم است که می‌توانند ما را جذب کنند و ما را نوسان دهند و ما را وسوسه کنند. به قول رسالُه یعقوب: «لکن هر کسی در تجربه می‌افتد وقتی که شهوت وی او را می‌کشد و فریفته می‌سازد» (یعقوب ۱:۱۴). از این رو، غلبه کردن بر جسم و خواهش‌های جسم همانا و پیروز شدن در نبرد با جسم همان! این نبرد روحانی به کمک طریق‌های فیض که به آنها پرداختیم مؤثرتر و ثمربخش‌تر به پیروزی می‌رسد. این طریق‌های فیض مطالعه کتاب مقدس، دعا، و خدمت کلیسای محلی می‌باشند. دومین توضیح این است که هرچند من راه حل ساده‌ای را پیش روی شما قرار دادم و شما را برای این جنگ با اندک سلاح‌هایی مجهز نمودم، اما این راه حل‌های من مورد تأیید کتاب مقدس می‌باشند. حال، انتخاب با خودتان است اگر که دلتان می‌خواهد از یک داروخانه دیگر دارو تهیه کنید یا از یک اسلحه‌خانه دیگر سلاح بگیرید. اما یادمان باشد که افکار و راهکارهای انسان‌ها بطلان است و از جسم فایده‌ای حاصل نمی‌شود (یوحنا ۶:۶۳). فقط آن سلاح‌هایی که در کتاب مقدس به ما داده شدند نزد خدا قادرند برای انهدام قلعه‌ها، که خیالات و هر بلندی را که خود را به خلاف معرفت خدا می‌افرازد به زیر افکنند و هر فکری را به اطاعت مسیح اسیر سازند (دوم قرن‌تینان ۴:۱۰-۵).

سومین توضیح این است که من فهمیده‌ام کسانی که به قدرت طریق‌های فیض شک دارند، اغلب، کسانی هستند که در بهره بردن از طریق‌های فیض بی‌اعتنا هستند و آنها را نادیده می‌گیرند. برای پرهیز از زیاده‌گویی، اکنون باید به پرسشی بازگردم که در یکی از فصل‌های این کتاب مطرح نمودم: آیا واقعاً کتاب مقدس را موبه مویاد گرفته‌ایم؟ آیا تک‌تک وعده‌های خدا را در دعا به یاد آورده و دیگر دعایی باقی نمانده است؟ آیا رابطه صمیمی ما با پدر و پسر و روح القدس محلی برای صمیمی‌تر

شدن ندارد؟ آیا همهٔ برکت‌های مشارکت با کلیسای محلی را درو کرده‌ایم؟ مگر نه اینکه ما نسبت به طریق‌های معمولی اما حیاتی فیض غفلت و کوتاهی کرده و نسبت به آنها بی‌توجه و حتی تن‌پرور بوده‌ایم؟ وقتی کسی به مؤثر بودن این طریق‌های فیض، که به آنها اشاره کردم، به دیدهٔ شک و تردید نگاه می‌کند، سوال من از چنین شخصی این است که خودش چه مقدار از وقتش را به خواندن کلام خدا و به دعا و مشارکت با رهبران کلیسا و اعضای یک کلیسای محلی اختصاص می‌دهد؟ اغلب این افراد سر خود را پایین می‌اندازند، شانه بالا می‌اندازند، و به بی‌اعتنایی و بی‌توجهی خودشان به این طریق‌های فیض اعتراف می‌کنند. من هنوز با شخصی چنین گستاخ و بی‌حیا ملاقات نکرده‌ام که ادعا کند همهٔ این طریق‌های فیض را تمام و کمال به جا آورده، ولی اثری نداشته است.

برادران و خواهران عزیز، بیایید با ایمان و با استقامت و پشتکار برای بیداری روحانی دعا کنیم. ولی، تا بیداری روحانی از راه برسد، خودمان را سرسپردهٔ طریق‌های معمولی فیض بگردانیم تا به وسیلهٔ آنها به شکلی غیرمعمول و فراطبیعی شبیه مسیح بگردیم و برای او مفید باشیم.

برادر شما،

پل دیوید واشر

اغلب، مسیحیان منتظر اتفاقی فراطبیعی و غیرمعمول هستند، مثلاً روح القدس بخرامد و هرگونه ناخوشی و ناخوش احوالی روحانی ما را در یک چشم به هم زدن برطرف کند. اگرچه یک چنین بیداری روحانی اتفاقی محال و دور از انتظار نیست، ولی راه و روش عادی و معمول خدا برای رشد کلیسایش این‌گونه نیست. در کتاب «طریق‌های حیاتی فیض» پل واشربه بررسی سه نعمت برجسته‌ای می‌پردازد که خدا برای رشد و بلوغ در خداترسی و زندگی خداپسندانه به کلیسا هدیه بخشیده است: کتاب مقدس، دعا، مشارکت در حیات و خدمت کلیسای محلی. آرزو و اشتیاق ما برای رویدادهای خاص و فراطبیعی نباید موجب شود آن طریق‌های معمولی را که خدا برای رشد روحانی به ما بخشیده است نادیده بگیریم و به آنها بی‌اعتنا باشیم. در عوض، خودمان را سرسپرده طریق‌های معمولی فیض بگردانیم تا با تکیه به روح القدس به شکلی غیرمعمول و فراطبیعی شبیه مسیح بگردیم و برای او مفید باشیم.

«هر صفحه این کتاب چه گرم و پرشور در دلم طنین انداز است! مختصر و روشن، مستقیم و مؤثر، کوشا و گیرا، طریقی که خدا برای حفظ و بقای نشاط و سرزندگی راستین و روحانی مقدر نموده در این کتاب بیان شده است. شهادت کتاب مقدس من، تجربه من، و ندای وجدانم تصدیق می‌کنند که پل واشربه گذاشته است بر علاج و راه چاره ساده بسیاری از بیماری‌ها و ناخوشی‌های روحانی ما. من برای سعادت و خوش احوالی روح و جانم این یادآوری‌ها را لازم دارم. برای سعادت و خوش احوالی روح و جان کسانی که دوستشان دارم و برای جلال خدا در کلیسایش این یادآوری‌ها را خواهانم. من معتقدم شما نیز این یادآوری‌ها را لازم دارید و شما هم باید خواهان آنها باشید.»

جرمی واکر، شبان کلیسای تعمیدی «میدن باور» در شهر کراولی در کشور انگلستان

پل واشربه مدت ده سال در کشور پرو به خدمت بشارتی مشغول بود. در آن مدت، با تأسیس سازمان خدمات بشارتی HeartCry Missionary Society با پایه‌گذاری و بنای کلیساهای در کشور پرو حامی و پشتیبان خدمت کلیساهای محلی گشت. در حال حاضر، پل واشربه یکی از خادمان و زحمتکشان در این سازمان می‌باشد (www.heartcrymissionary.com). پل واشربه و همسرش، چارو، صاحب چهار فرزند می‌باشند، به نام‌های ای‌آن، ای‌وان، رووان، بران‌وین.